



ارائه مطالب گروه آموزش پژوهی توسط:
آقای اردوان مجیدی
پژوهش گر و مؤسس مدرسه حکمت بابلسر



موضوع: مدرسه شخصیت

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر همه عزیزان گروه آموزش پژوهی صلاح

اردوان مجیدی هستیم. بنده و همکارانمان از امروز صبح تا آخر هفته ان شاء الله در خدمت عزیزان هستیم، و سعی می کنیم مطالبی را که فکر می کنیم ممکن است مفید و موثر باشد، خدمت اساتید عرضه کنیم.

اولا لازم است از گروه خوبتان و بحثهای خوبی که دوستان در آن دارند، تشکر کنم. طی این مدت از بحثهای دوستان استفاده زیادی کرده و ان شاء الله خواهیم کرد.

ثانیا از جناب آقای نیرو برای مدیریت خوبشان در گروه تشکر می کنم.

ثالثا از اینکه وقت این هفته را در اختیار بنده قرار دادید تا در مورد مدرسه شخصیت، به عنوان یکی از ابعاد رویکرد مدرسه حکمت صحبت کنم؛ ممنون هستیم.

برای اینکه استفاده موثرتری از زمان بشود، اگر دوستان موافق باشند، ان شاء الله برنامه این هفت روز را طبق روال زیر دنبال خواهیم کرد:

شنبه: امروز ما به عنوان فراهم شدن زمینه بحث، با فضای کلی مدرسه حکمت آشنا می شویم و ابعاد مختلف آن را مرور می کنیم. بخصوص از این منظر که مدرسه شخصیت، در فضای چند بعدی مدرسه حکمت قرار گرفته، و بخشی از پازل چند بعدی آن است.

یکشنبه: در مورد مفهوم مدرسه شخصیت صحبت می کنیم، و ریشه های آن را در تعلیم و تربیت اجمالا جستجو می کنیم.

دوشنبه: با ابعاد پرورش شخصیت در اهداف آموزشی مدرسه حکمت آشنا می شویم، و اشاره ای به فهرست ابعاد و موارد تمرکز بر آنها داریم.



سه شنبه: سازوکارهای عملی تحقق اهداف مدرسه شخصیت را در برنامه درسی مدرسه دنبال می کنیم، و به نمونه هایی از اجرای این سازوکارها اشاره می کنیم.

چهارشنبه: روز گفتگو، و بحث در مورد نظراتی که دوستان طی این مدت مطرح کرده اند، و بحث در مورد برخی مصادیق و نمونه های عینی در مدرسه حکمت و سایر مدارس است.

پنجشنبه: روز جمع بندی و نتیجه گیری است.

جمعه: روز بازخوردها است. و ان شاء الله دوستان نقدها و نظراتشان را اعلام بفرمایند.

با توجه به اینکه مشارکت عزیزان در گروه آموزش پژوهی صلحا معمولا روزهای جمعه اتفاق می افتد، ولی من بخصوص در بحث مدرسه شخصیت نیاز به همراهی دوستان در بحث و مشارکت دارم:

- دوستان این هفته را بنا بر مشارکت گذاشته، و دیدگاههای خودشان را برای بنده از طریق تلگرام شخصی یا ایمیل (majidi.office@gmail.com) ارسال فرمایند، تا در صورت لزوم در گروه درج شود.

- در طول هفته با توجه به برنامه تعیین شده برای هر روز، ان شاء الله نظر سنجی و مشارکتی توسط عزیزان لازم است، که پس از اعلام آن، دوستان به نحوی که گفته خواهد شد، در بحث مشارکت فرمایند.

پس ان شاء الله دوستان این هفته آمادگی بیشتری برای مشارکت داشته باشند.

بخصوص چون ممکن است دوستان در هفته های گذشته هر چند روز یکبار سری به گروه می زدند (بنده خودم اینکار را می کردم)، این هفته تقاضا دارم هر روز سری به گروه زده و موضوعات را دنبال فرمائید، تا در صورت نیاز به مشارکت، سر موقع باخبر شوید.

امیدوارم وقتی که شما برای اینکار اختصاص می دهید، برای شما مفید باشد. ان شاء الله.

دوستان می توانند با بنده و فعالیتهای پژوهشی بنده از طریق وبگاه زیر آشنائی بیشتری پیدا کنند: www.Irit.ir

• و اما مدرسه حکمت

اول فضای عمومی مدرسه، همانطور که هست، بدون پیرایش (نه محیط بزرگ شده و فقط بر عکس گرفتن آماده شده، نه عکسها حرفه ای گرفته شده، نگاهی از یک مراجعه کننده معمولی بیرونی در فضای روزمره)



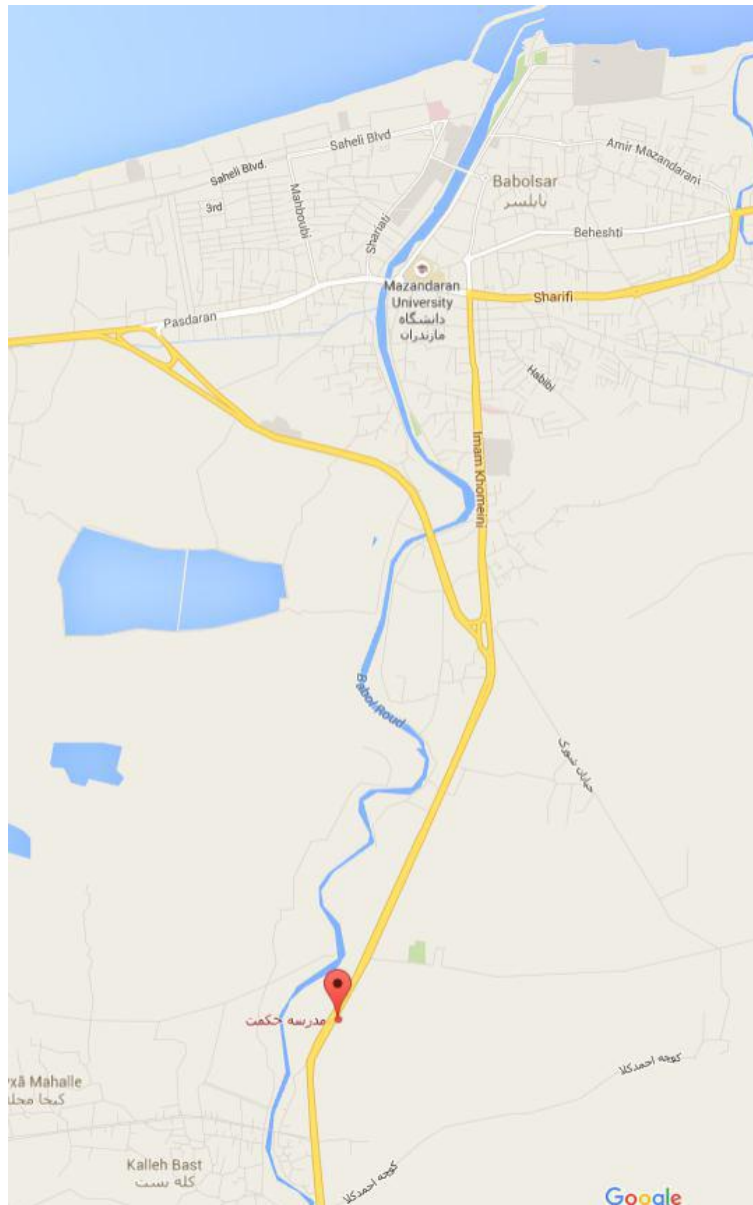






کجا؟

اینجا:



پاسخ چند سؤال مهم پیشینی در مورد مدرسه حکمت:

سوال ۱- فلسفه وجودی مدرسه حکمت: مدرسه حکمت چرا وجود دارد؟

چند سؤال اساسی پیش روی نظام آموزش کشور قرار دارد:

اول - چرا فارغ التحصیلان ما آنقدر که مورد انتظار است با دین و قرآن مانوس نیستند، و از معدل آنچه که دین از یک انسان خوب ترسیم کرده، فاصله زیادی دارند، و پس از ۳۷ سال از انقلاب اسلامی، مدارس نتوانسته نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفا کنند؟

دوم - چرا فارغ التحصیلان ما در بکارگیری عملی دانسته های خود ناتوانند، نیازهای مراکز کار در تعلیم و تربیت رسمی برآورده نمی شود، و محفوظات آنها کاربردی نیست؟

سوم - چرا فارغ التحصیلان ما در تلاش جمعی ناموفقند، و مدرسه کمک زیادی به آنها برای حضور و ایفای نقش در جامعه نمی کند؟

چهارم - چرا پرورش شخصیت و استعداد های شاگردان، و فرهنگ آنها به عنوان مسئله اصلی در تعلیم و تربیت بچه ها مورد توجه نیست و مغفول است؟



پنجم - بر خلاف آنچه که در سنین پیش از دبستان در علاقه کودکان به یادگیری چیزهای جدید مشاهده می‌شود، چرا دانش آموزان پس از ورود به مدرسه، با علاقه و انگیزه درس نمی‌خوانند، بلکه نمره و ترس و فشار، تنها عوامل حرکت و تلاش آنها در مسیر یادگیری است؟

این سؤالات را می‌توانید جمع بندی آسیب شناسی ما از نظام آموزشی کنونی نیز محسوب کنید.

مدرسه حکمت تلاش می‌کند با تمرکز در ارائه پاسخ به این سؤالات، راه حل هائی را پیش روی نظام آموزشی قرار دهد. راه حل هائی که:

- مبتنی بر نظریات شفاف و استوار،
- در قالب معماری و طراحی منسجم،
- به صورتی که به صورت توأم هم ابعاد کلان نظام آموزشی، و هم ابعاد برنامه درسی را مورد توجه قرار داده،
- به صورت عملیاتی در سطح یک مدرسه اجرا و تجربه شده،
- و قابلیت اشاعه و تحت تاثیر قراردادن سایر مدارس و حوزه های نظام تعلیم و تربیت را داشته باشد.

سوال ۲- آیا مدرسه حکمت فقط یک مدرسه است یا هدفی وسیعتر را دنبال می‌کند؟

مدرسه حکمت، بخشی از دو طرح پژوهشی خودجوش و غیر دولتی، اما در سطح ملی است. طرح اول، "طرح مطالعه و طراحی یک معماری نظام آموزش دین بنیاد برای جامعه اطلاعاتی" است. تلاش این طرح، ترسیم مسیر احتمالی تحول نظام آموزش کل کشور به سمت نظام آموزشی مطلوب مبتنی بر مبانی معرفتی دینی، برای پاسخگوئی به نیازهای جامعه در حال تحول و آینده است.

مبتنی بر طرح اول، طرح دوم یعنی "طرح ایجاد یک مجموعه آموزشی راهنما (پایلوت) برای بستر سازی نظام آموزش دین بنیاد برای جامعه اطلاعاتی (مدرسه حکمت)" تعریف شده است. هدف از این طرح، ایجاد یک مدرسه نمونه است که تحقق عملیاتی یک نظام آموزشی مطلوب را در سطح یک مدرسه نشان دهد، و ابعاد برنامه درسی مورد توجه در آن را به صورت عملیاتی و ملموس قابل مشاهده کند.

از سال ۱۳۷۶ مطالعات پژوهشی مدرسه آغاز شده، و از سال ۱۳۸۸ مدرسه فعالیت خود را فعلا در مقاطع ابتدائی و متوسطه اول، آغاز و دنبال کرده است.

به این ترتیب، هدف از ایجاد مدرسه حکمت، تنها ایجاد یک مدرسه و ارائه خدمت به تعدادی از دانش آموزان نیست؛ که البته خود آن نیز امر بسیار مهمی است (همانگونه که قرآن کریم فرموده است که هر کس فردی را زنده کند، گویی تمام مردم را زنده کرده است).

اما مدرسه حکمت، علاوه بر هدف مهم مذکور، (و برای همان سرایت زنده کردن به همه مردم)، تلاش می‌کند زمینه تحول کل نظام آموزشی کشور را از طرق زیر دنبال کند:

- ارائه نمونه ای از فضای متفاوت مطلوب تعلیم و تربیت، به صورتی که نشان دهد، می‌توان گونه های متفاوتی از تعلیم و تربیت را در مدارس اجرا نمود. و اجرای یک کلیشه رسمی در همه مدارس مطلوب نیست. مدرسه حکمت ادعا نمی‌کند تنها الگوی مطلوب است، بلکه اظهار می‌کند که باید الگوهای مختلفی در طیفهای مختلف مدارس اجرا شود؛

- الگوئی مشخص ولی انعطاف پذیر را برای اجرا در برخی از مدارس ارائه می‌کند؛ به گونه ای که هر مدرسه می‌تواند به صورت منحصر به فرد خود، این الگو را اجرا نماید؛



- الگوئی برای شکل دادن یک مدرسه پیشرو و منتشر شونده را به صورت معماری شده و منسجم ارائه می کند، که به مدارس پیشرو کمک می کند، ساختارهای خود را با انسجام بیشتری شکل داده، و الگوی خود را با شکل فنی تر و سازمان یافته تر ارائه کنند.

- مطالبه اجتماعی برای تحول نظام آموزشی ایجاد کند؛

- تلاش می کند بین تلاشهای مختلف موجود در فعالان تحول تعلیم و تربیت، یک همگرایی برای نهادینه شدن و اثر بخشی این فعالیتها را به صورت یک جریان اجتماعی رقم بزند.

برای تنوع بد نیست چند برنامه تلویزیونی را که موضوع مدرسه را از زاویه نظام کلان آموزش دنبال می کند، ببینیم.

آدرس فیلم برنامه توقف ممنوع چهارشنبه گذشته در سایت تله ویون

<http://www.telewebion.com/#!/episode/1413259>

http://www.telewebion.com/fa/1416345/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D9%88-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%B4/%D8%AA%D9%88%D9%82%D9%81-%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9.html#/embedcode_box_1416345

<http://www.telewebion.com/fa/1419668/%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%DB%8C/%D8%AA%D9%88%D9%82%D9%81-%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9.html>

دوستانی که تمایل به آشناسدن بیشتر با ابعاد نظری و فلسفه وجود مدرسه را دارند، می توانند منابع زیر را هم دنبال کنند:

کتاب نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده

قابل بارگیری در:

http://irit.ir/Book_Nee.htm



برخی مقالات حوزه های مرتبط در:

<http://irit.ir/Papers.htm>



تا اینجا بحث از منظر جایگاه مدرسه حکمت در مسئله تحول نظام کلان آموزشی کشور بود. به همین حد اکتفا کرده و بقیه بحث در مورد رویکرد درونی مدرسه صحبت خواهیم کرد. ان شاء الله.

یک معرفی چکیده از مدرسه و رویکرد آن:

در این مدرسه، بینش جدیدی از تعلیم و تربیت در حال شکل گیری است، که به نظر می‌رسد، می‌تواند زمینه‌های مهمی از تحول تعلیم و تربیت را در کشور ما و جهان فراهم سازد.

در این بینش و رویکرد ناشی از آن، تعلیم و تربیت قرآن محور دینی و کلاسیک در بستری کاملاً متفاوت ترکیب شده، و تلفیقی از رویکرد حوزه علمیه (با شکل سنتی آن و نه شکل کلاسیک جدید آن)، مدارس و دانشگاه ایجاد شده است؛ به عبارت دیگر این مدرسه نوع جدیدی از مدارس را پی‌ریزی می‌کند که مزیت‌های هر سه را در داشته، و بتواند در آینده هر سه نهاد حوزه، مدرسه و دانشگاه را در یک نهاد واحد متجلی کند.

در این رویکرد قرآن و تعلیم اهل بیت علیهم السلام، محور معرفت‌شناسی و تعلیمات مدرسه قرار گرفته، پرورش شخصیت و خصوصیات و فرهنگ دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، در کنار آموزش مهارت‌ها و دانش، هدف‌های اصلی را تشکیل می‌دهند. اولین جلسه هر روز به مدت ۴۵ دقیقه، به قرائت و ترجمه و بحث و گفتگو بر آیات قرآن اختصاص داده شده، و بیش از دو دوره قرائت و ترجمه قرآن کریم، در طول مدت تحصیل دانش‌آموزان گنجانده شده است. ضمن آنکه سبک خاص قرائت و ترجمه، و سازوکار توضیح مفاهیم آیات قرآنی، متناسب با سطح فهم کودکان و نوجوانان، به صورت تقریباً منحصر به فرد، در این مدرسه طراحی و اجرا شده است.

علاوه بر آن، سازوکارهای پرورش شخصیت مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، در برنامه درسی گنجانده شده، و تلاش بر آن است که مفاهیم قرآن، به عنوان محور در تعلیم و تبیین جایگاه معرفتی مفاهیم دروس دیگر قرار گیرد. همچنین ترکیب بندی کل تعلیم و تربیت و سازوکارهای آن، با تبیین این محوریت انجام شد است. در اینجا بحث از آن نیست که دروس قرآنی، در کنار دروس آموزشی دیگر با همان سبک کلاسیک نظام صنعتی تدریس شود. بلکه پی‌ریزی یک مدل درسی قرآن محور در تمام ابعاد تعلیم و تربیت، در دستور کار قرار داشته است.

دانش‌آموز و مربی در فضای مدرسه، با مشی استاد و شاگردی زندگی می‌کنند. فضای مدرسه و برنامه درسی به گونه‌ای است که دانش‌آموز مطالب انتزاعی را در کاربردها و فضای عینی (از جمله در کلاسهای با موضوعات کاربردی، گردشهای علمی متعدد، و غرفه‌های عملی) یاد می‌گیرد، و به جای حفظ طوطی‌وار، بصیرت و شناخت عمیق او در یک فرایند تکامل تدریجی افزایش می‌یابد.

هر دانش‌آموز به اندازه استعدادها و توانمندیهای خودش یاد می‌گیرد، و پیشرفت دانش‌آموز به جای سنجیده شدن با معیارهای ثابت و با دیگران، تنها با خودش و پیشرفتهای خودش مقایسه می‌شود. در این فضا بستری فراهم شده که دانش‌آموزان تیزهوش، در کنار دانش‌آموزان عادی و حتی دانش‌آموزان دیرآموز، در یک فضای اجتماعی با هم زندگی واقعی را تجربه کرده، در عین اینکه هر کدام بر اساس ظرفیتهای خود، با سرعت مناسب خود حرکت کرده، و پای همه به هم و کتاب درسی زنجیر نمی‌شود.

در این مدرسه فضای سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، بسیار بیش از مدارس دیگر فراهم شده، و دانش‌آموزان برای یادگیری با شوق و انگیزه‌های درونی خودشان، به صورتی خودانگیخته تلاش می‌کنند.

مدیریت فرایند تعلیم و تربیت در بستر فناوری اطلاعات، به نحوی انجام می‌شود که در عین تمرکز بر افزایش بصیرت و حکمت دانش‌آموزان، برنامه ریزی و سنجش یادگیری موضوعات در قالب کلاسیک آن را نیز میسر و قابل رصد می‌کند.

ما ادعا نمی کنیم که رویکرد مدرسه حکمت، تنها رویکرد مطلوب است. اما به نظر می رسد رویکرد مدرسه حکمت، حرفهای جدی را برای تحول نظام تعلیم و تربیت قرآن محور، در بر داشته باشد.

شبکه ویدئویی آپارات مدرسه حکمت:

<http://www.aparat.com/hekmatSchool>

وب سایت مدرسه: www.maktabe-hekmat.ir

۵ سؤال اساسی از نظام تعلیم و تربیت



ابعاد مدرسه حکمت

از منظر روش و سازوکار



ابعاد مدرسه حکمت

از نظر ماهیت و رفتار



مدرسه عمل



مدرسه اکتشاف



مدرسه استعداد



مدرسه فرهنگ



مدرسه شخصیت



مدرسه زندگی



مدرسه فناوری



و ... مدرسه تقوی

سلام. امروز طبق وعده قرار است در مورد مفهوم مدرسه شخصیت، و ریشه های آن در مباحث تعلیم و تربیت، به اجمال اشاره ای داشته باشیم. با توجه به اینکه این موضوع بحثی نظری است، و شاید فضای این گروه تلگرافی امکان طرح مباحث نظری را نداشته باشد، بنده سعی می کنم تا حد ممکن چکیده و لب کلام را در عباراتی با زبان ساده و خودمانی بیان کنم، در عین اینکه اشاره ای هم به مباحث نظری مرتبط آن داشته باشم.

ما فرزندانمان را به مدرسه می فرستیم، تا تواناییهای لازم برای برای زندگی کردن را کسب کنند. منظور من از زندگی کردن، فقط خوردن و خوابیدن و تشکیل خانواده و نظایر آن نیست. منظور تمام شئون زندگی در ابعاد مختلف است. کار کردن، تحصیل کردن، ایفای نقش در جامعه و نظایر آن هم جزو زندگی کردن است. به هر حال مدرسه، واحد آموزش و تربیت جامعه ما است، که مأموریت تربیت کردن و آماده کردن بچه ها برای زندگی در جامعه را بر عهده دارد.

حالا من این سؤال را از دوستان می کنم که از نظر شما توانایی های لازم برای زندگی کردن چه توانمندیهایی است؟ آیا فقط کسب دانشهای موسوم به علوم پایه، برای زندگی کردن کفایت می کنند؟ کتابهای درسی اول ابتدائی تا آخر دبیرستان را جلوی خود باز کنید. فهرست مطالب آنها را مرور کنید. اینها دانشهایی است که بچه ها قرار است در مدرسه کسب کنند.

در ذهن خودتان یک انسان موفق در زندگی را مد نظر قرار دهید. این انسان باید چه خصوصیات و توانمندیهایی داشته باشد؟ آیا فقط دانستن همین دانشهای موجود در کتابها کافی است؟

قطعا خیر!

او باید مهارتهای مختلفی را داشته باشد؛ از مهارتهای یدی گرفته تا مهارتهای ذهنی و تحلیلی، از مهارتهای شغلی گرفته تا مهارتهای خانوادگی و برای زندگی او ضروری است. و اینها کجا باید کسب شوند؟

فراتر از مهارتها، او باید فرهنگ خوبی داشته باشد؛ مولفه های فرهنگی مختلفی از جمله فرهنگ کار کردن، فرهنگ خانواده، فرهنگ بندگی خدا، فرهنگ شهروندی و در شکل گیری فرهنگ خوب ضروری است. و اینها کجا باید کسب شوند؟

و فراتر از مهارتها و فرهنگ، او باید شخصیت خوبی داشته باشد، و خصوصیات فردی و اجتماعی خوبی در او شکل گرفته باشد؛ مولفه های شخصیتی ای نظیر پشتکار، اعتماد به نفس، جدیت، کرامت، وجدان کاری، خونسردی، دقت و در یک شخصیت خوب وجود دارد. و اینها باید در کجا کسب شوند و شکل بگیرند؟



نمی‌گوییم تمام این مهارت‌ها، مولفه‌های فرهنگ، و مولفه‌های شخصیتی باید در مدرسه کسب شوند. خانواده، محیط عمومی جامعه، مساجد و محل کار نیز در این میان نقش مهمی دارند. اما نقش مدرسه در این میان کوچک نیست. اما اکنون مدارس ما چقدر در ایفای این نقش خود، جدی بوده و برنامه مناسبی در پیش رو دارند؟...

اجازه دهید محورهای اهداف آموزشی مدرسه حکمت را با هم مرور کنیم. مدرسه حکمت، وظیفه خود را در ارتقاء توانمندیهای شاگردان، در چهار محور می‌داند:

شخصیت: شخصیت شاگردان باید ارتقاء پیدا کند.

فرهنگ: فرهنگ مناسب در شاگردان باید شکل بگیرد.

مهارت: شاگردان باید مهارت‌های مورد نیاز و علاقه خود را کسب کنند.

دانش: شاگردان باید در دانش‌های مورد نیاز و علاقه خود را کسب کنند.



برای اینکه تفاوت بین دانش، مهارت، فرهنگ و شخصیت برای ما روشن تر شود، اجازه دهید که مثالی بزنم. فرض کنید که شما استاد درس روش تحقیق در دانشگاه هستید. در این درس شما نشان می‌دهید که چگونه یک کار باید با اصول علمی انجام شده، و قابل اعتبار سنجی باشد.

یک شاگرد در کلاس شما حاضر شده و تمام مباحث را به خوبی فرا می‌گیرد. شما امتحان کتبی ای برگزار می‌کنید، و او نمره کامل را کسب می‌کند. می‌شود اینطور تلقی کرد که این شاگرد "دانش" مورد نیاز را کسب کرده است.

اما اگر همین شاگرد دارای دانش را درگیر یک کار پژوهشی کنید، معلوم نیست بتواند همان اصولی را که در درس فراگرفته بود، در عمل هم بکار ببرد. شما به این شاگرد پروژه عملی می‌دهید و دست او را گرفته و مرحله به مرحله به او تعلیم می‌کنید که چگونه به صورت عملی آن اصول را در یک کار واقعی بکار ببندد. پس از انجام چند پروژه او "مهارت" انجام آن کار را کسب کرده است.

اما اگر همین شاگرد دارای دانش و ماهر را رها کنید، و او به زندگی روزمره مشغول شده، و در محل کاری فعالیت کند، اگر درگیر کار مشخصی شود، معلوم نیست که آن اصول رویکرد علمی را در کارهای جاری خود رعایت نماید. اگر کارفرما از او بخواهد که این اصول



را رعایت کند، او با توجه به دانش و مهارت خود می تواند این کار را انجام دهد. اما اگر کارفرما مقید به رعایت این اصول نباشد، او هم عملاً بر طبق این اصول رفتار نخواهد کرد. اما اگر سلوک شما با این شاگرد در انجام آن پروژه های مذکور، آنگونه باشد که شاگرد مذکور این اصول و لزوم رعایت آن را باور کرده، و حتی در صورتی که کارفرما هم او را الزام نکند، یا در امور زندگی روزمره خود، این اصول را به صورت ناخودآگاه اجرا نماید، می توانید ادعا کنید که "فرهنگ" این کار علمی در آن شاگرد شکل گرفته است.

و اما همین شاگرد که فرهنگ کار علمی دارد، ممکن است برخی از مولفه های شخصیتی اش، هنوز تطابق کاملی با این فرهنگ پیدا نکرده، و منش شخصیتی او ممکن است در مواردی در تعارض با این کار باشد. مثلاً بصورت عمومی دقیق نباشد و روحیه پرسشگری و نقادی نداشته باشد. اما اگر خصوصیات مبنائی رویکرد علمی در بافت شخصیتی این شاگرد شکل گرفت، می توانید ادعا کنید که "شخصیت" و "خصوصیات فردی و شخصیتی" کار علمی در این شاگرد ایجاد شده است.

تدریس دانش ساده ترین کاری است که می شود انجام داد. و بعد از آن مهارت، کمی دشوار تر است. بعد از آن فرهنگ، دشوار تر، و شکل گیری شخصیت دشوارترین کاری است که در تعلیم و تربیت انجام می شود.

اما در عین حال شکل گیری شخصیت مهمترین کاری است که در مدرسه باید انجام شود.

اگر من فردی با پشتکار، جدی، خلاق، کاوشگر، دقیق، مشاهده گر، با انگیزه، بردبار، وقت شناس، منظم، و را در مدرسه تربیت کردم، حالا اگر این شخص فلان دانش قید شده در یک کتاب درسی را نداشت، قطعاً نگران نخواهم بود؛ و مطمئن خواهم بود که او خود در صورت نیاز واقعی به این دانش، آن را کسب خواهد کرد.

اما اتفاقی که امروز در نظام تعلیم و تربیت و مدارس ما می افتد چگونه است؟ نظام آموزشی خود را نسبت به ارتقاء شخصیت و فرهنگ تقریباً به صورت کامل، و نیز نسبت به بسیاری از مهارت های زندگی، بی تکلیف می داند. نظام آموزشی خود را برای اینکه افرادی با پشتکار، جدی، کریم، جواد، حلیم، رئوف، خلاق، مدیر، مدبر، برنامه ریز، امانت دار، با ذوق و تربیت نکرده، ملامت نمی کند. نه تنها ملامت نمی کند، اصلاً برای چنین کاری خود را ارزیابی نمی کند؛ و هیچ دستور کار جدی، جز چند کلام کلی در راهنماهای تدریس، و اسناد آرمانی نظام آموزشی، برای خود قرار نمی دهد. هیچ برنامه ارتقائی در این زمینه وضع نمی کند، و هیچ برنامه درسی مشخصی را پیش روی مدارس قرار نمی دهد. کجا شده که در سنجش یک شاگرد، این خصوصیات او مورد سنجش قرار گیرد؟ کجا شده که در سنجش عملکرد یک مدرسه، به جای ارزیابی معدل و نمره های ریاضی و علوم و ... شاگردان آن مدرسه، و مقایسه آمار نتایج کنکور آن مدرسه (که کنکور هم تماماً دانشی است، و هیچ ارزیابی مهارتی، فرهنگی و شخصیتی در آن انجام نمی شود)، این سنجیده شود که این مدرسه چقدر توانسته شخصیت کودکان را ارتقاء دهد؟

پاسخ این سئوالات را می دانیم!

و مدرسه حکمت تلاش می کند در حد خود، و حد مقدرات و توان خود، پرورش ابعاد مختلف وجودی فراگیر را علاوه بر دانش، در ابعاد مهارت، فرهنگ و بخصوص شخصیت، در دستور کار خود قرار داده، و برنامه و سازوکارهای مشخصی برای ارتقاء این ابعاد داشته باشد.

اگر کسی از بنده به عنوان موسس و پژوهشگر مدرسه بپرسد، مدرسه شما در یک جمله چه جور مدرسه ای است، می گویم: "مدرسه شخصیت". "مدرسه ای که تلاش می کند شخصیت بچه ها را ارتقاء دهد". و اگر ما در مدرسه بتوانیم همین یک کار را به درستی انجام دهیم، کار خودمان را کرده ایم.

این یک تبیین عمومی و غیر تخصصی بود. تبیین تخصصی را به فضا و مقال دیگری موکول می کنم. در تبیین تخصصی لازم است به کالبد شکافی نفس انسان پرداخته، و چگونگی شکل گیری منش انسان را در لایه های مختلف وجودی او مورد بحث قرار دهیم.



تاکید می‌کنم که این دیدگاه بنده از شخصیت و ارتقاء شخصیت است. دیدگاههای دیگری هم در این زمینه وجود دارد. بخصوص در تبیین مولفه های شخصیت دیدگاههای متفاوتی وجود دارد.

فقط از بین مباحث نظری لازم است این نکته را مورد اشاره قراردهم که در اغلب دیدگاهها، شخصیت به ویژگیهای منحصر به فردی اتلاق می‌شود، که یک فرد مشخص دارد. ما در اینجا عبارت شخصیت را عمدتاً به مولفه هائی اتلاق می‌کنیم، که منش یک شخص را می‌سازند. برای اینکه با دیدگاههای دیگر در مورد شخصیت و پرورش شخصیت هم آشنا شویم، چند مقاله که دوستان می‌توانند به آنها مراجعه کنند را در زیر پیوند می‌دهم.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%AE%D8%B5%DB%8C%D8%AA>

<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=32969>

<http://athir.blogfa.com/post-4158.aspx>

سلام مجدد. که هر چه مجدداً سلام بکنیم، خوب است. سلام قولی از پروردگار رحیم است، و ما فقط واسط و نقل کننده آن هستیم! امروز قرار است با ابعاد پرورش شخصیت در اهداف آموزشی مدرسه حکمت آشنا شویم، و اشاره ای به فهرست ابعاد و موارد تمرکز بر آنها کنیم.



گفتیم که مدرسه حکمت تلاش می‌کند در حد خود، و حد مقدرات و توان خود، پرورش ابعاد مختلف وجودی فراگیر را علاوه بر دانش، در ابعاد مهارت، فرهنگ و بخصوص شخصیت، در دستور کار خود قرار داده، و برنامه و سازوکارهای مشخصی برای ارتقاء این ابعاد داشته باشد.

حالا شخصیت خود چه ابعاد و مولفه هائی دارد که بتوان برنامه ای برای ارتقاء آنها در پیش گرفت.



مولفه های شخصیت را در ۱۲ دسته اصلی تفکیک می کنیم. نمودار زیر، این دسته ها را نشان می دهد.



فایل شامل دو جدول است.

جدول اول که بسته بندی خصوصیات را نشان می دهد، و ذیل ۱۲ بسته، حدود ۱۰۰ مولفه خصوصیات شخصیتی را فهرست می کند.

دسته	خصوصیت	زیر خصوصیت	طیف			تعریف	معیارهای کلیدی برای تشخیص	ابزارهای سنجش	سازوکارها و ابزارهای ارتقاء	توصیف			
			افراطی	متعادل	تفریطی					افراطی	کمی افراطی	متعادل - قوی - عالی	خواب

قابل اندازه گیری، با برنامه خاص ارتقاء

دقت	نظم	جدیت	خونسردی	صبر، بردباری	اطاعت	کم حرفی و کم حرفی	روداری و خجولی
وسواس در دقت	نظم و سواسی	بیش از حد	کاملا خونسرد	صبر در مصیبت - صبر	رام و کاملاً مطیع	بزرگ حرف	بزرگ
دقیق	مقید به نظم	جدی	خونسرد و آرام	صبور	مطیع حق و تعلیمات صحیح	کم حرف و کم حرف	رودار
بی دقت	بی نظم و شلخته	بدون جدیت	مضطرب و ب	بی صبر	سرکش	کم حرف	خجالتی

عدم خطا در کار؛ داشتن تمرکز کافی برای انجام

به راحتی به اندازه حرف شنوی داشتن و به جا

فرمان برداری کردن از فرمانی ذی ربط و

در جمع بتواند به راحتی از فرمانی ذی ربط و

صحبت کند ذی صلاح

وقت شناسی

در هر شرایط روانی دادن فرمان از فرد

احساس متناسب به آن را ذی صلاح و اطاعت

نمایش و تناثر، مجری فشار هنجاری

گری، خیرنگاری کاشتن گیاهان

دارای نظم، انجام

آفتد در کارش وسواس

حساسیت افراطی به

کارها را با دقت وسواس

ایجاد محیط و فضای

کارهای انجام شده توسط

اغلب کارهای انجام شده



توجه در مشاهده	وقت شناسی	سرعت	پشتکار	اعتماد به نفس و با اراده	شجاعت و
	استفاده بهینه از وقت و فرصت – هر کار				
توجه بیش از حد به جزئیات و جوانب	تقدیر افراطی به نظم زمانی	انجام سریع و دست پاچه کارها	سماجت در انجام کار به هر قیمتی	من می توانم حتی کار	جسور و بی کله!
دارای تمرکز در توجه و توجه ابعاد مختلف	مقتید به نظم زمانی	انجام سریع و فرز کارها	گرفتن پشت کار تا اتمام کار	توانائی های من زیاد است. من	شجاع و با
بی توجه	بی توجه به وقت	انجام کارها با تاخیر و بسیار کند	رها کردن کارها	من نمی توانم! من می ترسم!	ترسو

بی خیال از کنار پدیده های اطراف خود نگذشتن؛ توجه کردن فرایند انتخاب روانی که به وسیله آن از بین محرک های بالقوه فراوان، فقط محرک هایی را انتخاب می کنیم که با علائق ما سازگار است.

نامی که فرد در دیدن یک پدیده از خود نشان می دهد

گرایش های علمی، گزارش نویسی

کاشتن گیاهان

توجه بیش از حد به جزئیات غیر ضروری به طوری که اصل مطلب را درک نمی کنند و اغلب اوقات به مسایل جزئی غیر ضروری حساس است. و قسمت اندکی از کلیت مطلب را همزمان به جز Y و کل مطلب توجه دارد و ارتباط آنها را با هم دیگر درک می کند.	در نظر گرفتن	در کارها کاملاً عجول و دست	کارهای را به هر قیمتی	خودبینی و	جسور
	شاید اینها را به شما	امید است کارها را	کارهای را به هر قیمتی	شاید اینها را به شما	جسور
اغلب اوقات به مسایل جزئی غیر ضروری حساس است. و قسمت اندکی از کلیت مطلب را همزمان به جز Y و کل مطلب توجه دارد و ارتباط آنها را با هم دیگر درک می کند.	پیش از حد به شرایط	کارها را هول هولکی انجام می			
	اولاً از وقت خود به	کارهای خود را با سرعت زیاد و		کسی که زمانی	علاقه
هشاشاد در صدد مطلب را درک میکند(با توجه به جز Y و کا، مطلب		کارها را با سرعت نسبتاً زیاد و		کسی که در	



عزت نفس	تشریک مساعی	احترام به نظرات دیگران	کمک کاری	مسئولیت پذیری	احساس مسئولیت در مورد دیگران و	قانونمداری و رعایت مقررات
مغرور	منفعل و ناتوان در کارهای غیر گروهی	پذیرنده محض نظرات دیگران	از کار و زندگی	فضول	دخالت بی جا در مسائل دیگران	مقرراتی افراطی
عزیز	همکار و همیار	احترام به نظرات دیگران	کمک کار	مسئول	مسئول در مورد دیگران	قانونمدار
ذلیل	غیر همکار	بی توجهی کامل به نظرات دیگران	بی خیر	بی مسئولیت	بی تفاوت نسبت به مسائل دیگران	بی قانون

طبع عالی داشتن؛ بزرگ منشی، ممانعت طبع ارجمند
با دیگران برای انجام
به عقاید، نظرات و
کارها و حقوق
به دیگران با
کارهایی مثل
موظف دانستن خود به انجام دادن امری نظیر
مسئولیت پذیری

از دیگران چیز رایگانی برای رفع نیاز خود نمی خواهد.
[1] living
Consciously
[2] Self
Responsible
خود و از عهده اصلاح آن بر آمدن
با جدیت از عهده کارهایی که به او /
کردن اشتباهات سپرده شده بر اینقیول
6 personal
Integrity
عمل مقررات وضع شده

نگرش مثبت به خود، عدم تحقیر دیگران، توانایی مواجهه با مشکلات،
وضع مقررات و مشاهده
میزان رعایت آن از سوی

اتفاقا Y به دانش آموز که خودش، توانایی ارزیابی رفتار خود و نتیجه گیری صحیح از آن را دارد و قادر است
آموزان، خود ارزیابی، یاد آوری کردن

				دخالت در اموری که حتی تخصص و توانایی		حبس شدن کر و کور در
				مسئول شناختن خود و دخالت در اموری که		بر خورد خشک با قوانین و
				مسئول شناختن خود در قبال کارهایی که در		پابندی به قوانین و
				رضت، تلاش، برای بر عهده گرفتن، اموری در		پابندی به قوانین و





در این جدول برخی از خصوصیات با رنگ سبز و برخی با رنگ کرم متمایز شده اند.

رنگ سبز به عنوان مولفه های مورد تمرکز جاری مدرسه است. در فضای عمومی برنامه درسی مدرسه، ما هر سال برخی از مولفه ها را به عنوان مولفه های ضروری تر و دارای اولویت انتخاب کرده، و چپینش برنامه ها و فعالیتها را به نحوی تنظیم می کنیم که این مولفه ها بیشتر مورد توجه و تمرکز قرار گیرند. رنگ کرم در اولویت بعدی قرار دارد. و رنگ سفید در اولویت کمتر.

این اولویت بندی هر سال تغییر می کند. اگر ما بتوانیم یکی از این خصوصیات را به حد قابل قبولی در سطح عمومی مدرسه برسانیم، در سالهای بعدی اولویت آن کم شده و موضوع دیگری اولویت بیشتری پیدا می کند.

مثلا در سالهای ابتدای فعالیت مدرسه حکمت در سال ۸۸، خصوصیت روداری و خجولی (نبودن) سبز رنگ بود. چرا که بچه هایی که به مدرسه ما وارد می شدند، در فضای مدرسه با توجه به فرهنگ خانواده ها و فضای مدارس دیگر، جرات حرف زدن را به خود نمی داده و خجالتی بودند؛ به تعبیر خودمانی باید با گاز انبر از زبانشان حرف بیرون می کشیدیم. اما طی دو سه سال، فضای مدرسه به گونه ای شد که حتی بچه هایی که جدیداً وارد مدرسه می شوند، با جامعه پذیری سریعی که از طرف فضای اجتماعی مدرسه ایجاد می شود، به سرعت زبان باز کرده و به راحتی حتی جلوی جمع های بزرگ، صحبت می کنند، و از صحبت کردن ترسی ندارند. به این ترتیب پس از چند سال، اولویت این خصوصیت برای تمرکز مدرسه کاهش پیدا کرد. امروز مسئله ما پرورش خصوصیت "کم حرفی و گزیده گوئی" است! که این خصوصیت در دستور کار قرار گرفته و به رنگ سبز درآمد.



در جدول دوم، مولفه های خصوصیات شخصیتی (فردی و اجتماعی)، از چند نظر مورد موشکافی قرار می گیرد. این جدول هنوز در حال تکمیل است، و بسیاری از خانه های آن تکمیل نشده است.

در این جدول اولاً مولفه ها در چهار گروه دسته بندی می شوند:

- قابل اندازه گیری، با برنامه خاص ارتقاء (که برنامه های ویژه ای برای ارتقاء آنها در مدرسه وجود دارد)
- قابل اندازه گیری، بدون برنامه خاص ارتقاء (که برای ارتقاء آنها، برنامه منحصر به فردی و خاصی تعریف نمی شود، بلکه در خلال کل فعالیتهای مدرسه، و در فضای عمومی مدرسه، ارتقاء آنها پیش بینی شده است)
- غیر قابل اندازه گیری (مواردی نظیر ایمان و ... که ارزیابی آنها توسط مربیان به سادگی میسر نیست)
- در زمینه خاص

هر چند خود ما در مورد این دسته بندی چهارگانه بحثهای مختلفی داریم. خواهش می کنم در این مرحله این دسته بندی چهارگانه مذکور را جدی نگیرید! احتمالاً هم باید در مورد خود دسته بندی و هم قرار گرفتن موضوعات در آنها تجدید نظر جدی صورت گیرد.



در پراکنش خدمت عزیزان گروه صلحا عرض کنم که من بحث مدرسه را بدون بزک کردن و بدون پوشاندن خلاء ها ارائه می کنم، زیرا هدف ما آن است که هر چا داریم و نداریم عرضه کنیم، اگر قابل استفاده است، استفاده شود، اگر اشکالی در آن است، توسط دوستان نقد و اشکال شود، و اگر دوستان می توانند آن را تکمیل کنند، استفاده کنیم و ممنون دوستان باشیم. به همین دلیل از نقد دوستان و اضافه کردن و پیشنهادات و حتی دریافت نسخه های بومی شده توسط یک مدرسه دیگر، خوشحال خواهیم شد و قدردان، ان شاء الله.



و اما در این جدول برای هر یک از خصوصیات مذکور موارد زیر تعریف می شود:

- زیر خصوصیتها

- طیف (افراطی، متعادل، تفریطی)

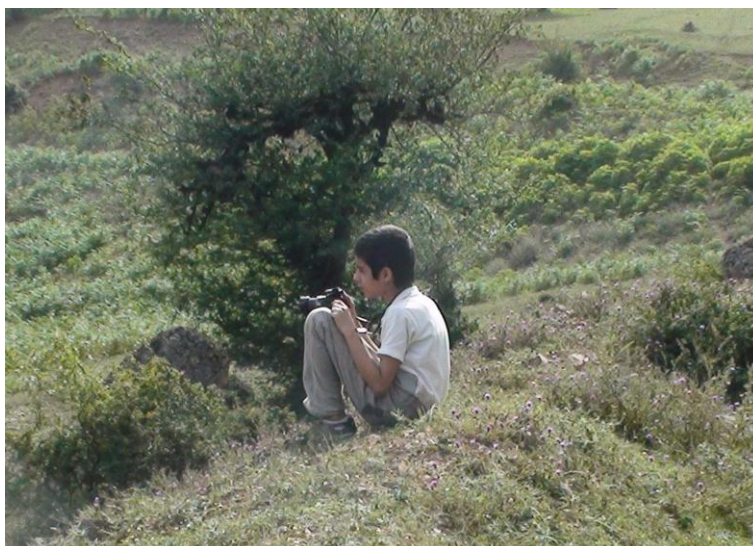
- تعریف

- معیارهای کلیدی برای سنجش

- ابزارهای سنجش

- سازوکارها و ابزارهای ارتقاء

- توصیف سطوح (از افراطی گرفته تا تفریطی)



لازم به توضیح است که طی سالهای گذشته، به نظرمان رسید که با توجه به توان محدود پژوهشی مان، تمرکز را برای اجرای سازوکارهای مناسب برای جدول اول قرار داده، و جدول دوم را برای در فرصت مناسب موکول کنیم.

ان شاء الله از فردا سازوکارهای عملی که برای ارتقاء این خصوصیات در مدرسه تعریف می شود را مورد بحث اجمالی قرار خواهیم داد.





ضمنا دوستان می توانند نظرات و راهنمایی هایشان را برای بنده ارسال کنند. متشکرم.



سلام. شب شما بخیر ان شاء الله.

فردا قرار است من در مورد سازوکارهای عملی تحقق اهداف مدرسه شخصیت که در برنامه درسی مدرسه دنبال می کنیم، با ذکر نمونه هایی از اجرای این سازوکارها، صحبت کنم.

قبل از آن از دوستان گروه می خواهم، در یک اعلام نظر، هر کدام فهرست پنج تا از مهمترین کارهایی که فکر می کنید در مدرسه می تواند به ارتقاء شخصیت بچه ها کمک کند (مثلا: "نماز جماعت")، در گروه اعلام کنید. به یاد داشته باشید که مولفه های شخصیت که قرار است ارتقاء پیدا کند، در نمودار و جدول امروز معرفی شده است. اگر بتوانید در یک جمله دلیل اینکه این کار مشخص در ارتقاء شخصیت بچه ها مهم است را نیز بیان فرمائید.

با کسب اجازه قبلی از جناب آقای نیرو، این اعلام نظر دوستان، به صورت استثناء در این مورد، در گروه مجاز شمرده می شود.

حداکثر تا فردا غروب، منتظر دریافت نظرات شما هستم. من پست های توضیح سازوکارها را ان شاء الله فردا غروب در گروه خواهم گذاشت. متشکرم.

سلام.

شب شما بخیر ان شاء الله.

قرار بود دوستان امروز در نظرسنجی ای مشارکت فرمایند. ولی هیچ خبری نشد! قرار شد من پستهایم را پس از نظر سنجی امروز غروب در گروه قرار دهم.



امروز قرار بود که در مورد سازوکارهای عملی تحقق اهداف مدرسه شخصیت که در برنامه درسی مدرسه دنبال می کنیم، با ذکر نمونه هایی از اجرای این سازوکارها، صحبت کنم.

بسم الله

چگونه می توانیم مولفه های مورد بحث شخصیت بچه ها را ارتقاء دهیم؟

چگونه می توان اینهمه مولفه را دانه به دانه ارتقاء داد؟

آیا خیلی کار لازم ندارد و از حد توان مدرسه بیرون نیست؟

این سؤالاتی است که حتماً دوستان از بنده می پرسند.

اول سؤال آخر را جواب دهم که خیر! البته انجام این ارتقاء کار زیادی در طول مدت زمان زیاد لازم دارد، اما کاملاً امکان پذیر است. البته در حد مشخص!

اجازه دهید که به این حد مشخص اشاره کنم.

ارتقاء مولفه های شخصیت، واقعه ای درونی است، و نمی توان وقوع یا عدم وقوع آن را به صورت کامل پیش بینی کرد. یعنی نمی توان با قاطعیت اعلام کرد که اگر فلان فعالیتها، یا فلان فرایند اتفاق بیافتد، قطعاً این مولفه ها به بهمان مقدار ارتقاء پیدا خواهند کرد. ممکن است در یک شاگرد، در مدت مشخصی ارتقاء به میزان الف اتفاق بیافتد و در همان مدت در شاگرد دیگر ارتقاء به میزان ب و در شاگرد دیگر هم اصلاً در این زمینه اتفاقی نیافتد.

به عبارت دیگر، مدرسه ای که پرورش مولفه های شخصیت را در دستور کار خود قرار می دهد، باید بستری را در محیط مدرسه فراهم آورد، که ارتقاء مولفه های شخصیت شاگردان در این بستر تسهیل و تمهید شود. اما هیچ فرایند کارخانه ای قابل تصور نیست، که مرحله به مرحله با شکلی قابل سنجش در هر مرحله، ارتقاء شخصیت را انجام دهد.

در حقیقت افرادی که با رویکردهای متداول یادگیری برنامه ای اسکینری خو گرفته اند (رویکردهایی که نگاه کارخانه ای و ماشینی به تعلیم و تربیت دارد، و متأسفانه نظام آموزشی ما هم خود را دلبسته آن کرده است)، به سادگی با این مسئله کنار نخواهند آمد. در واقع نظام تعلیم و تربیت ما از زمانی که رویکرد اسکینر را در تعلیم و تربیت به عنوان وحی منزل خود تلقی نمود، و تمام آموزش را در قالب فرایندهای مشخص گنجانده، نتوانست پدیده هایی نظیر پرورش شخصیت، پرورش فرهنگ و تاحد هم پرورش برخی مهارتها را در این قالب بگنجانده؛ از این رو آنها را از دستور کار تعلیم و تربیت حذف کرد. به عبارت دیگر کاری که این نظام کرد آن نبود که رویکردی دیگر برای این ابعاد اتخاذ کند، بلکه ساده تر آن بود که صورت مسئله را پاک کند. دشمنی دلبستگان به رویکرد اسکینری (که متأسفانه کم هم نیستند، و گلوگاههای نظام رسمی تعلیم و تربیت ما را هم در دست گرفته اند) با برنامه های درسی ارتقاء شخصیت و فرهنگ، ریشه در ابطال باور کهنه آنها دارد؛ باوری که آنها تمام بنیاد نظام آموزشی خود را بر آن بنا نهاده اند. بگذریم.

مدرسه شخصیت هیچ تضمینی ارائه نمی کند که تمام شاگردان به حد مشخصی ارتقاء شخصیت یابند. این مدرسه شاگردانی که در بستر آن تحصیل می کنند را مجبور به تغییر نمی کند. بلکه تغییر آنها را تمهید و تسهیل می کند. او به شاگردانی که تغییر نکرده اند، انگ نمی زند، و آنها را تحقیر نمی کند.

شاید یکی از اولین چیزهایی که در مدرسه شخصیت لازم است امنیت است. و امنیت بدون حرمت قائل شدن برای شاگرد و احترام به او میسر نمی شود.



بگذارید به اجمال به سازوکار محوری تعالی در مدرسه حکمت، که البته به نحوی سازوکار محوری تعالی مدرسه شخصیت هم هست، اشاره کنیم.





احترام و برخورد محترمانه به شاگردان، مقدمه هر رشد و ارتقائی در آنها است. نمی توان فضائی غیر محترمانه را تصور نمود، که در آن شاگردان با مولفه های شخصیتی مطلوب تربیت شوند؛ مگر در موارد استثناء.

این احترام منجر به عزت نفس شاگردان می شود. با احترام گذاشتن محیط به او، او برای خودش ارزش قائل می شود. و البته این عزت نفس از سوی دیگر، نیازمند امنیت است. وقتی شاگرد در محیط مدرسه احساس ناامنی کند، حاضر است برای بدست آوردن امنیت، خود را هم زیر پایگذار. از طرف دیگر ایجاد احساس امنیت در محیط، خود وابسته به وجود احترام به او است. بی احترامی، شکستن حرمت او، و اولین عامل از بین رفتن امنیت است.

در سوی دیگر، شکل گیری عزت نفس نیازمند وجود نظم، و قراردادن هر چیز در جای خود است. در بی نظمی، چیزها سر جای خود نیستند. و وقتی چیزها سر جای خود نباشند، آدمها، بخصوص آدمهایی که ارزش دارند، دلیل می شوند. جایگاه آنها و جایگاه منش و رفتار آنها هم سر جای خود نخواهد بود. آنها خوبی را اراده می کنند، اما خوبی را سر جای خود نمی یابند، و به همین دلیل خوبی حاصل نمی شود، و اراده آنها شکست می خورد، و این ذلت آنها را به همراه می آورد. در فضای بی نظم، حفظ کردن حرمت خود دشوار است. و البته یکی از مهمترین ابزارهای تحقق نظم، رعایت حرمتها و مهمترین آنها احترام به افراد است.

اگر عزت نفس حاصل شد، شخص از تخریب خود حیا می کند. او اجازه نمی دهد که شخصیت او مخدوش شده، و آبروی او برود. به همین دلیل او از رفتارهایی که منجر به شکستن شخصیت، و خوب بودن او است، شرم می کند.

و اگر کسی حیا داشت، حیا مقدمه ای برای درک حضور الهی است. خدا حضور خود را برای آدم بی حیا آشکار نمی کند. قلب بی حیا جائی برای درک حضور خدا نیست.

و اگر کسی حیا داشت، حیای او، او را از افراد بی حیا دور، و او را به افراد با حیا نزدیک می کند، و در اوج آن به معادن حیا یعنی اهل بیت علیهم السلام، گرایش پیدا می کنند.

و وقتی شخصی حیا داشت، و حضور الهی را هم درک کرد، به اهل بیت نیز گرایش داشت و اهل بیت علیهم السلام او را مورد عنایت خود قرار دادند، او از بی حیائی نزد خداوند متعال شرم می کند؛ و متقی می شود.

....

این اجمالی بود از سازوکار محوری تعالی مدرسه حکمت و مدرسه شخصیت. در انتهای بحث مدل تصویری این سازوکار را می بینیم.



حالا دوستان به من بگویند، اولین سازوکاری که برای ارتقاء مولفه های شخصیت در مدرسه شخصیت لازم است چیست؟

بله، احترام است. شاگرد باید در مدرسه محترم باشد. بی احترامی به او، خدشه به شکل گیری تمام مولفه های شخصیت او است.



مدرسه شخصیت فضائی را فراهم می آورد که شاگرد در آن محترمانه تحصیل کند.

این احترام گذاشتن هم باید توسط کادر مدرسه و مربیان و مدیران اتفاق افتد، هم توسط خانواده ها (پس خانواده ها باید در این زمینه آموزشهای لازم را دریافت کنند)، و هم توسط هم شاگردی ها (پس اجازه رفتار غیرمحترمانه با شاگردان دیگر نباید به شاگرد داده شود).

متأسفانه رفتار محترمانه کادر مدرسه با شاگردان، آموزش دشواری است برای مدارس موجود. ما بزرگترها عادت کرده ایم که به سادگی سر بچه ها داد بزنیم، آنها را تهدید کنیم، آنها را تحقیر کنیم، حالا اگر لطف نموده و آنها را کتک نزنیم!! ما باید یاد بگیریم که چگونه می توان هم اقتدار معلمی را حفظ کرد، هم با شاگردان محترمانه رفتار کرد. حتی چگونه می توان در صورت لزوم برای شاگردان تنبیهات متناسبی در نظر گرفت، اما این تنبیهات را هم با احترام اعمال نمود. به خاطر داشته باشیم که اگر یک قاضی یا مجری احکام قضائی، وقتی با یک مجرم برخورد می کند، حق بی احترامی کردن به او را ندارد. مجازات مجرم باید انجام شود، اما بی احترامی به او خود جرمی است که آن قاضی یا مجری مذکور مرتکب شده است. این در مورد مجرمان قضائی است؛ در مورد شاگردان مدرسه که جای خود دارد.

این احترام مقدمه تمام سازوکارهای بعدی است.



اما سازوکارهای بعدی چه؟

برای ارتقاء پشتکار چه باید کرد؟ برای ارتقاء اعتماد به نفس چه؟ جدیت چه؟ خلاقیت چه؟

تصور مرسوم نظام آموزشی موجود برای یادگیری هر چیزی این است که یک کلاس درس و کتاب یا جزوه درسی برای موضوع مذکور باید وجود داشته، و بعد آزمونی هم از بچه ها گرفته شود.... این شیوه آموزش دانش است! تازه اگر در همان آموزش دانش هم این شیوه قابل قبول و درست باشد. تفاوت بین دانش و مهارت و فرهنگ و شخصیت را در همان مثالی که در تدریس روش تحقیق در دانشگاه زدم به خاطر بیاورید.

اما شخصیت را اینگونه نمی شود ارتقاء داد. شخصیت با سخنرانی و چسباندن تراکت و دیوار نویسی و نمایش و این چیزها تغییر نمی کند. مولفه های شخصیت با تحقیر و انگ چسباندن به شاگرد، و اینکه تو پشتکار نداری، و و تشویقات بیرونی که اگر پشتکار داشته باشی فلان جایزه را می دهم و هم بهبود پیدا نمی کند. بلکه این کارها چند مولفه شخصیتی دیگر شاگرد را کاسته یا نابود می کند. بسیاری از اقدامات خیرخواهانه ما در ارتقاء شخصیت بچه ها، از جنس دوستی خاله خرسه است و در عمل مولفه های بسیاری از شخصیت آنها را تخریب می کند.

شکل گیری مولفه های شخصیت به صورت ناخودآگاه اتفاق می افتد. آگاهی دادن در مورد این مولفه ها الزاما به ارتقاء آنها کمک نمی کند.



عمده ترین سازوکار ارتقاء شخصیت، از جنس "کونوا دعاه الناس بغير السنتکم" است. با زبان بی زبانی، و با عمل باید ارتقاء شخصیت آنها را تمهید و تسهیل کرد. هم عمل ما و هم عمل خود شاگرد.

عمل ما از این جهت که ما کارهایی باید در مدرسه بکنیم، و رفتارهایی داشته باشیم، که ارتقاء مولفه های شخصیت به آنها نیاز دارد. "احترام" و برخورد محترمانه با شاگردان، یکی از مهمترین آنها است. بیش از آن آنکه خود ما باید مولفه های مطلوب شخصیت را در وجود خودمان متجلی کنیم. من مربی باید جدی باشم تا شاگردم هم جدی باشد. من باید مهربان باشم تا او هم مهربان شود. من باید پشتکار داشته باشم تا او هم پشتکار داشته باشد. ...

اما عمل شاگرد چه، شاگردان باید در حال عمل مولفه های شخصیتی خود را بیابند و شکل دهند. شاگرد منفعل، هرگز مولفه پشتکار را کسب نخواهد کرد. شاگردی که هرگز به او اجازه سخن گفتن در جمع به انتخاب خود او داده نشود، هرگز معاشرت را فرا نخواهد گرفت، و شخص معاشرتی نخواهد بود. شاگردی که همیشه به او الگوهای از پیش تعیین شده برای اجرا داده می شود، هرگز خلاق نخواهد بود.

همین است که وجه دیگر پازل مدرسه حکمت، یعنی مدرسه عمل ضروری می شود. مدرسه شخصیت بدون مدرسه عمل محقق نمی شود. روی دیگر سکه مدرسه شخصیت، مدرسه عمل است. بچه ها باید در مدرسه عمل کنند. و در خلال عمل کردن، مولفه های شخصیتشان به صورت ناخودآگاه شکل بگیرد.



پس ما بچه ها را برای ارتقاء مولفه های شخصیتشان، باید درگیر کارهایی بکنیم، که این کارها این مولفه ها را ارتقاء می دهند.

اما نگاهی به فهرست مولفه های شخصیت، ما را نگران می کند. ۱۰۰ مولفه، اگر برای هر مولفه بچه باید درگیر سه تا کار بشود، ۳۰۰ تا کار، چه طوری در مدرسه اینهمه کار انجام دهیم؟



خیر ماجرا اینگونه نیست! کارهایی باید در فعالیتهای مدرسه انتخاب شوند، که همزمان طیف وسیعی از مولفه های شخصیت را برای ارتقاء پوشش دهند. به نظر می رسد اگر فعالیتهای خوب انتخاب شوند، در صورتی که بچه ها درگیر ۵ الی ۷ فعالیت مناسب در مدرسه باشند، حدود ۷۰٪ مولفه های شخصیت آنها مورد پوشش قرار می گیرد. و البته این که چه فعالیتهایی می توانند پوشش مناسبی داشته باشند، انتخاب مهمی است.

با هم نمونه هایی از برخی از فعالیتهایی را که در مدرسه حکمت رایج است، از منظر تاثیر گذاری بر مولفه های شخصیت مرور می کنیم:

ظرفشویی

همه بچه های مدرسه حکمت تجربه ظرفشویی مفصلی دارند! هر روز یکی از کلاسهای ظرفهای مدرسه را می شوید. برای همین منظور حوض ظرفشویی خاصی طراحی شده (که اتفاقا با مشارکت خود بچه ها طراحی و ساخته شده است). در ظرفشویی، شاگردان کلاسی که مسئول ظرفشویی امروز هستند، پس از صرف نهار، به همراه مربی خود، در محل ظرفشوییخانه حاضر می شوند. آنها حوض را پر از آب می کنند. بچه ها پس از تخلیه مانده غذا در ظرف کنار حوض، ظرفهای خود را در سراسره ای که به داخل حوض ختم می شود، قرار داده و ظرف وارد حوض می شود. مانده غذای جمع شده در ظرف کنار حوض، به مصرف حیوانات خانگی می رسد.

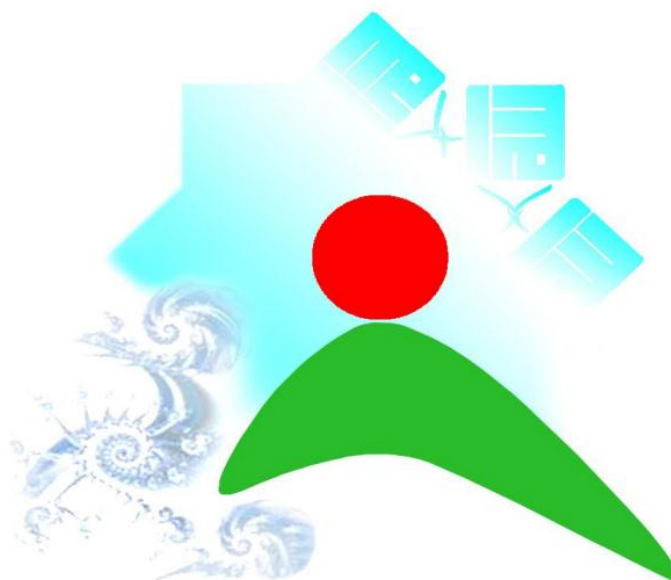
بچه ها به دو گروه اصلی تقسیم می شوند. ظرفشویها و آبکشها! یک نفر هم به عنوان مسئول کنترل کیفیت در کنار قفسه مشبک خشک کن سینی های غذا می ایستد. ظرفشویها در دو طرف حوض ظرفشویی، روی سکوی چوبی نشسته، دستکش دست می کنند (قاعده است اما فقط بعضا اجرا می شود)، در دو کاسه در دو طرف مایع ظرفشویی را داخل کاسه ریخته و با آب گرم آن را رقیق می کنند. سپس ظرفها را تک تک از داخل حوض درآورده و با اسکاچ شسته و در سکوی مقابل قرار می دهند. در دو طرف کنار سکوی آب کشی نیز گروه آب کشها نشسته، و ظرفها را زیر شیرهای آب آب کشی کرده، و ظروف آب کشی شده را به مسئول کنترل کیفیت برای بررسی و قراردادن در خشک کن می دهند. در آخر کار هم محوطه حوض و ظرفشویی شسته و لوازم مرتب می شود. بچه ها دستهایشان را شسته و به دنبال کارهای دیگر خود می روند.

ظرفشویی آئین نامه ای هم در نظامنامه مدرسه دارد که در زیر می بینید:





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدرسه حکمت

نظامنامه فعالیتهای آموزشی و برنامه درسی

توضیحات انتشار سند را در انتهای سند ملاحظه فرمائید.



شستشوی ظروف

مهارت های زندگی

یکی از ابعاد مدرسه حکمت، مدرسه زندگی است. باید سازوکارهایی وجود داشته باشد تا دانش آموزان در این مدرسه برای زندگی در جامعه آماده شوند. آنها یاد می گیرند که چگونه مسائل زندگی خود را حل کرده و روی پای خود بایستند. ظرف شستن، یکی از فعالیتهایی است که این امر مهم را تمهید می کند. ظرف شستن می تواند در ارتقاء مهارت های زندگی، ارتقاء خصوصیات فردی از جمله ایجاد تجربه همکاری و کار گروهی، جدیت، پشتکار، قانونمداری، نظم، پاکیزگی، دقت، حفاظت از لوازم، سرعت، اعتماد به نفس، تلاش تحرک و جنب و جوش، مسئولیت پذیری، سادگی و بی تکلف بودن، صرفه جوئی، ابعاد مختلف فرهنگ کار، و ابعاد مختلف مهارتهای کارهای خانه و امور روزمره نقش جدی داشته باشد. با توجه به ابعاد مختلف یادگیری که در ظرف شستن اتفاق می افتد، ظرف شستن یکی از برنامه های کاملاً جدی تمام پایه های آموزشی (از اول ابتدائی تا انتهای دبیرستان و حتی سطوح بالاتر) است؛ و تاکید زیادی بر اجرای کامل و دقیق آن وجود دارد.

ماده ۴۸-۱- همه دانش آموزان و مربیان طبق برنامه ریزی از پیش تعیین شده، باید در شستن ظروف نهار همکاری کنند. طبق برنامه و به صورت دوره ای، هر روز یک کلاس مسئول شستن کل ظروف نهار است.

ماده ۴۸-۲- سایر همکاران، چه آموزشی و چه غیر آموزشی نیز باید در شستن ظروف نهار همکاری کنند. این افراد به انتخاب خود در روزهایی که زمان کافی در اختیار دارند، در شستن ظروف نهار با دانش آموزان و مربیان کلاس ها مشارکت می کنند. همکاران خانم می توانند روزهایی که مربی کلاس خانم است، و همکاران آقا نیز زمانی که مربی کلاس آقا است، در فعالیت ظرف شستن همکاری کنند.

ماده ۴۸-۳- دانش آموزان در هنگام شستن ظروف، برای جلوگیری از خیس شدن لباس ها، بهتر است از لباس کار استفاده کنند. برای پوشیدن دمپایی ها نیز بهتر است جورابهای خودشان را در بیاورند و در جای مناسبی قرار دهند تا خیس نشود. همچنین یادآوری می شود که لازم است یکدست لباس تمیز اضافی در کمد خود داشته باشند، تا در صورت خیس شدن لباس، آن را تعویض کنند.

ماده ۴۸-۴- برای ظرفشویی باید فضای مناسبی ایجاد شود که در آن به صورت تفکیک شده، بخشهای زیر وجود داشته باشد:

- محلی برای تخلیه غذای نیم خورده ظروف و ضایعات غذا،
- محلی برای قراردادن ظروف غذا،
- محلی برای شستن ظروف، حتی الامکان به صورت یک حوضچه که ظرفهای کثیف در آن در آب قرار گیرد،



- بهتر است دور حوضچه، نیمکت‌هایی برای نشستن تعبیه شود، تا گروه ظرف شوی (بچه ها و همکاران) در هنگام شستن ظروف روی آن بنشینند،
 - بهتر است لبه حوضچه به گونه ای پهن باشد که شخص ظرفشوی، ظرف را از حوضچه خارج کرده، روی آن لبه قرار دهد، و با ابر-اسکاچ بشوید،
 - در کنار حوضچه سکوئی قرار داشته باشد که ظرفهای شسته شده (کف مالی شده) روی آن قرار داده شود،
 - محلی برای آب کشیدن ظروف، به صورت یک حوضچه یا ظرفشویی، که گروه آب کشی، دور آن نشسته یا ایستاده، و ظرفها را آب بکشند،
 - محلی برای قراردادن ظرفها به شکل آب چکان.
- ماده ۴۸-۵- وسائل زیر باید به تعداد مناسب باید برای استفاده دانش آموزان و همکاران در محوطه ظرفشویی وجود داشته باشد، و هر کدام باید سر جای خود چیده شده و منظم باشند. جای مشخصی نیز باید برای هر کدام از اینها وجود داشته باشد، و برچسب عنوان در بالای جای مذکور نصب شده باشد، تا هر کس بلافاصله محل وسائل را تشخیص دهد. وسائل عبارتند از :
- ابر-اسکاچ ظرفشویی،
 - اسفنج شستشوی محوطه،
 - پارچه تمیز خشک،
 - مایع ظرفشویی،
 - صابون مایع (برای شستشوی دست پس از ظرفشویی)،
 - دستکش در دو سایز کوچک و بزرگ،
 - پارچه خشک برای خشک کردن و تمیز کردن صندلی ها و نیمکت های ظرفشویی،
 - دمپایی کوچک و بزرگ.
- ماده ۴۸-۶- قبل از شستن ظروف، فضای ظرفشویی باید توسط خدمات مدرسه آماده شده باشد و وسائل در جای خود چیده شده باشد.
- ماده ۴۸-۷- مورد مصرف ابر-اسکاچ ظرفشویی و اسفنج شستشوی محوطه با هم اشتباه نشود. از ابر-اسکاچ ها فقط برای شستشوی ظروف، و از اسفنج ها فقط برای شستشوی حوض و محوطه ظرفشویی استفاده شود (بصورت بالعکس استفاده نشود).
- ماده ۴۸-۸- برنامه ظرفشویی بین کلاسها باید به شکل منظم تنظیم شود. به نحوی که همه کلاسها به مقدار مساوی در شستشوی ظرفهای مدرسه مشارکت داشته باشند. کار ظرفشویی به صورت گروهی و کلاسی است. در تنظیم برنامه، زمان مناسب در برنامه کلاسی و ساعات هفتگی کلاس در نظر گرفته شود. ممکن است نظافت عمومی روزانه محیط مدرسه در آن روز نیز توسط آن کلاس یا کلاس دیگر در برنامه گنجانده شده باشد.



ماده ۴۸-۹- تقسیم کار فعالیت شستشوی ظروف بین دانش آموزان کلاسی که نوبت ظرفشویی آنهاست، باید به نحو مناسب انجام شود. به عنوان مثال، برخی از دانش آموزان مامور شستشو و کف زدن ظروف، برخی دیگر ظروف را آبکشی نمایند؛ و برخی دیگر ظروف را در آبچکان قرار دهند. ممکن است یک یا تعدادی از دانش آموزان هم در ابتدا مامور نظارت بر قراردادن ظروف در ظرفشویی باشند.

ماده ۴۸-۱۰- یکی از دانش آموزان کلاسی که نوبت ظرفشویی آنهاست، باید زودتر از بقیه غذایش را میل کرده و حوض ظرفشویی را از آب گرم پر کند. حوض نباید به حدی پر از آب شود که با قرار دادن ظروف لبریز گردد.

ماده ۴۸-۱۱- برای شستشوی راحت تر ظروف، حتی الامکان پس از قرار گرفتن ظروف در حوضچه ظرفشویی، دانش آموزان مسئول با شلنگ پلاستیکی یا فلزی، آب گرم را روی ظرفها بریزد تا کثیفی و چربی از ظروف زدوده شود.

ماده ۴۸-۱۲- دانش آموزی که مامور پر کردن حوض از آب گرم است، باید مراقب باشد دانش آموزان دیگر پس از اتمام غذا، باقیمانده غذای موجود در ظرف غذای خود را در تشتی که مخصوص خالی کردن اضافات غذا است بریزند.

ماده ۴۸-۱۳- دانش آموزان باید پس از خالی شدن ظرفشان از غذای باقیمانده، آن را در محل قراردادن ظروف غذا (سرسره ای که کنار حوض ظرفشویی قرار دارد) قرار داده تا ظرف به داخل حوض سرازیر شود. به هیچ عنوان ظرف همراه با غذای باقی مانده داخل حوضچه قرار داده نشود.

ماده ۴۸-۱۴- دانش آموزان باید از انداختن ظروف در حوض پر از آب، پاشیدن آب شلنگ با فشار زیاد و یا هر کاری که باعث پاشیده شدن آب به دیگران و محوطه می شود خودداری کنند. همچنین لازم است تا از شوخی های بی مورد و نامناسب، نظیر آب پاشیدن به یکدیگر، هل دادن یکدیگر و نظایر آن، در هنگام کار جدا پرهیز کنند.

ماده ۴۸-۱۵- ظروف شیشه ای و شکستنی کثیف، برای جلوگیری از شکسته شدن، نباید در داخل ظرفشویی قرار گیرند. اینگونه ظروف به آبدارخانه تحویل شود. در صورتی که دانش آموزان گروه ظرفشویی نیز در هنگام ظرفشویی با چنین ظرفی مواجه شدند، پس از شستشو و آب کشی فوری آن، یا آن را بلافاصله به آبدارخانه مدرسه تحویل دهند، یا آن را در جای محفوظی قرار داده و پس از اتمام کار به آبدارخانه تحویل دهند.

ماده ۴۸-۱۶- برای شستشو باید یک یا دو کاسه کف شستشو تهیه شود. گروه ظرفشویی، مراقبت نمایند که کف شستشو بیهوده ریخته و هدر نرود. برای آماده کردن کف جهت شستشوی ظروف، باید یک کاسه غذاخوری شسته شود و داخل آن مقداری مایع ظرفشویی به اندازه چهار الی پنج قاشق غذاخوری ریخته، و با آب داغی که دست را نسوزاند پر شود. از آب سرد به دلیل اثر پاک کنندگی کم، جهت درست کردن کف استفاده نشود.

ماده ۴۸-۱۷- قبل از شروع ظرفشویی و کف زدن ظروف، ابتدا سکوهاي کنار حوض و به خصوص تکه بزرگ سکوی کنار حوض که مخصوص قرار دادن ظرفهای کف مالی شده است، در صورت کثیفی با اسفنج شسته شود.

ماده ۴۸-۱۸- برای جلوگیری از انتشار آلودگی سکوها، دانش آموزان نباید با کفش یا بدون کفش روی سکوها راه روند.

ماده ۴۸-۱۹- برای جلوگیری از کثیف شدن لباس سایرین، دانش آموزان نباید با دمپایی روی نیمکت چوبی راه روند.



- ماده ۴۸-۲۰- ظروف کثیف برای شستشو باید تک به تک و جداگانه برداشته شوند. هر دو روی ظرف کثیف باید شسته شود. از شستن تنها روی داخلی ظروف، بدلیل انتشار آلودگی و چربی سطح بیرونی بر روی سایر ظروف، اجتناب شود. برای تمیزی کامل ظروف و پاک شدن از هر گونه آلودگی، باید با دقت و حوصله با اسکاچ تمام حاشیه ها و شیارهای ظرف شسته شود.
- ماده ۴۸-۲۱- ظرف های کف آلود شده باید روی سکو قرار گیرند.
- ماده ۴۸-۲۲- برای شستشوی بهتر قاشق، چنگال و ملاقه ها، باید هم سر و هم بدنه آنها با اسکاچ شسته شوند، و پس از شستشو در کاسه ای قرار گیرند و به قسمت آبکشی منتقل شوند.
- ماده ۴۸-۲۳- شیر آب انتهایی در قسمت آبکشی آزاد باشد و برای شستن مورد استفاده قرار نگیرد، تا دانش آموزان کلاس های دیگر بتوانند از آن برای شستن قاشق های شخصی خود استفاده کنند.
- ماده ۴۸-۲۴- برای آبکشی قاشق، چنگال و ملاقه ها، باید هر یک را جداگانه زیر شیر آب آبکشی کرد.
- ماده ۴۸-۲۵- قاشق، چنگال و ملاقه های آبکشی شده، باید در کاسه تمیز دیگری قرار گیرند. سپس آب کاسه به صورتی که قاشق و چنگال ها نریزند کاملاً خالی شود و در نهایت برای خشک شدن در آبچکان قرار گیرد.
- ماده ۴۸-۲۶- دانش آموزان مسئول آبکشی، باید ظرفهای کف آلود را از روی سکوها بردارند و در قسمت مخصوص آبکشی در زیر شیر آب برده و با دست تمام قسمت های ظرف را آبکشی نمایند. پس از آبکشی هر ظرف، ظرف آبکشی شده باید در توری مخصوص ظروف آبکشی شده که در روی ظرفشویی قرار دارد قرار گیرد.
- ماده ۴۸-۲۷- به منظور جلوگیری از انتقال آلودگی محوطه ظرفشویی به ظروف آبکشی شده، این ظروف نباید در قسمت کف محوطه زیر شیر آب قرار گیرند.
- ماده ۴۸-۲۸- چنانچه به هر دلیل ظرف یا قاشقی به قسمت کف محوطه زیر شیر آب افتاد، باید برای شستشوی مجدد به حوضچه ظروف انتقال پیدا کند.
- ماده ۴۸-۲۹- ظروف آبکشی شده برای خشک شدن باید در آبچکان قرار گیرند.
- ماده ۴۸-۳۰- دو ردیف بالا و همچنین یک ردیف پایین آبچکان، باید برای خشک کردن ظروف سینی غذا استفاده شود.
- ماده ۴۸-۳۱- یک ردیف باقیمانده پایین آبچکان، باید برای قرار دادن کاسه ها استفاده شود. چنانچه تعدادی از کاسه ها در این قسمت جا نشوند، پس از اتمام کار باید روی سینی ها قرار گیرند.
- ماده ۴۸-۳۲- چیدمان ظروف روی آبچکان باید به نحوی باشد که آب از روی آنها بچکد تا به سادگی خشک شوند. بدین منظور سعی شود تا ظروف روی آبچکان به هم نچسبند و یکی به رو و یکی به پشت قرار گیرند.
- ماده ۴۸-۳۳- پس از شستشوی ظروف، آب حوض باید با باز کردن پیچ دریچه داخل حوض خالی شود. برای جلوگیری از گیر کردن قاشق، چنگال و آشغال های بزرگ باقیمانده، این پیچ نباید به طور کامل باز شود. ابتدا این پیچ کمی باز شود تا آب ذره ذره تخلیه گردد. زمانی که مقدار آب تخلیه شده داخل حوض به حدی رسید که بتوان محتویات داخل حوض را دید، دریچه به طور کامل باز شود تا همه آب تخلیه شود.



ماده ۴۸-۳۴- پس از تخلیه کامل آب داخل حوضچه ظرفشویی، آشغال‌های بزرگ موجود در کف حوض مانند دستمال کاغذی یا تکه‌های استخوان، باید برداشته شوند و در سطل زباله انداخته شود. در صورتی که مواد غذایی زیادی در کف حوض جمع شده باشد، در تشت غذای نیم خورده ریخته شود (بدلیل احتمال استفاده باقی مانده و اضافات غذا توسط جانوران و حیوانات، مراقبت نمائید که این مواد غذایی دارای کف و مایع ظرفشویی نباشد؛ در غیر اینصورت مواد مذکور در سطل زباله ریخته شود؛ زیرا مایع ظرفشویی برای برخی از حیوانات سمی و بیماری‌زا یا حتی کشنده است).

ماده ۴۸-۳۵- پس از اتمام شستن ظروف، حوضچه باید با اسفنج‌هایی که برای این منظور تهیه شده، کفی و شسته شود. کف زمین محل ظرفشویی نیز شسته شود.

ماده ۴۸-۳۶- پس از پایان کار، توری‌ها، اسفنج‌ها و اسکاچ‌ها، باید شسته، آبگیری شده، و به شکل منظم سر جای اصلی خود برگردانده شوند.

ماده ۴۸-۳۷- دستکش‌ها به حالت برعکس در جای مخصوص خود روی میله‌های چوبی قرار گیرند تا کاملاً خشک شوند.

ماده ۴۸-۳۸- برای جلوگیری از تاثیر مواد موجود در مایع ظرفشویی در خشکی پوست، در انتهای کار دانش‌آموزان باید دست‌های خود را با صابون مایع در روشویی توالت بشویند.

- ✓ این مستند بخشی از مستندات سیستم مدرسه حکمت است که برای استفاده عمومی منتشر گردیده است.
- ✓ این مستند میانی و در حال تحلیل و تدوین و ویرایش است و هنوز بخش‌هایی از آن تکمیل نشده است.
- ✓ مدرسه حکمت از دریافت نظرات، انتقادات، پیشنهادات شما استقبال می‌کند.
- ✓ در صورتی که تمایل دارید در تکمیل، ویرایش، به‌روزرسانی، آزمون، بکارگیری و ارائه بازخورد از بکارگیری این مستند همکاری نمایید. مدرسه حکمت از همکاری شما صمیمانه استقبال می‌کند.
- ✓ در این صورت می‌توانید موارد و نسخه‌های تکمیل شده یا بازخوردهای خود را با ذکر نام خود و تاریخ ویرایش در همین سایت بارگذاری نمایید تا توسط عموم قابل استفاده باشد.
- ✓ انتشار با ذکر مرجع آزاد است.
- ✓ استفاده از این سند رایگان است.



ضمنا برای ظرفشویان حکمتی شعری هم سروده شده که می بینید!!

(با وزن آهای باقالی دارم، باقالی دارم، باقالی تازه، خدا روزی رو میسازه! - زمان بچگی های ما در یک نمایش می خواندند!)

(با عرض پوزش از عزیزان گروه برای ریتمیک شدن مباحث!)

سرود ظرفشویان حکمت

بچه های حکمتیم.....، با حکمتیم.....، مرتبیم.....، در کار خود،

.....اهل فکر و فکوریم،

با عقل و با شعوریم،

با هم درس می خونیم.....، می نویسیم.....، یاد می گیریم.....، کتابهای خوب،

توی کلاس می خونیم،

توی خونه می خونیم،

وقت نهار که شد.....، سر وقت ظهر.....، گشنه مونه.....، نهار می خوریم،

با هم سر سفره هستیم،

خدا روزی رو رسونده

همه ظرف می شوریم.....، ظرف می شوریم.....، ظرف شور خوییم،

همه ظرفها تمیزن،

ریکا رو تو آب می ریزیم،

توی مدرسه مون.....، کار می کنیم.....، کار می کنیم.....، همه گرم کاریم،

با هم یار و رفیقیم،

کارو بارمون براهه،

ماها همه فن حریفیم،

همه زبر و زرنگیم.

البته که گاه شعرهای دیگری هم مثلا از کتاب درسی توسط مربیان و بچه ها حین ظرفشویی خوانده می شود.

نکته مهم این است که ظرفشویی نباید به عنوان یک کار اجباری و بیگاری توسط بچه ها تلقی شود. برخورد مربیان و کادر مدرسه باید به گونه ای باشد که بچه ها خودشان با رغبت برای ظرفشویی بیایند. بسته به عملکرد مربیان ظرفشویی برای اغلب بچه ها فعالیتی جالب است. البته باید این را از بچه ها پرسید! اما در مجموع بچه ها با ظرفشویی ارتباط خوبی برقرار کردند.

در مورد طریق اجبار ظرفشویی هم بحثهای مختلفی است. بچه ها ظرفشویی را در این قالب اجباری می دانند که بالاخره آنها در این مدرسه غذا می خورند، و باید سهمی هم در شستشوی ظروف داشته باشند. شاگردانی را داشتیم که در ابتدا ظرفشویی را نمی پذیرفتند.



گاه خانواده به بچه می گفت نباید ظرف بشویی! مدرسه هیچ واکنشی به این کار نشان نمی داد. یکی دو جلسه اول آنها ظرف نمی شستند. اما جلسه سوم از دور بچه ها را که کنار هم مشغول ظرفشویی بودند، زیر نظر می گرفتند. جلسه بعدی سرکی می کشیدند. چند ماه بعد آنها هم ظرفشوی قهاری شده بودند!



خوب قصد داشتم در اینجا خصوصياتی که در ظرفشویی پوشش داده می شود را فهرست کنم، به نظرم رسید این را به عنوان مشق امشب به دوستان واگذار کنم!

دوستان جدول مولفه های خصوصیات را باز کنید، بعد با توجه به برداشتی که از ظرفشویی در مدرسه حکمت پیدا کردید، مولفه هایی که در این کار تحت تاثیر قرار می گیرد را بشمارید؛ و عدد حاصله را در گروه به عنوان نظر خودتان اعلام فرمایید. (به نظر شما چند تا از مولفه ها در این فعالیت تحت تاثیر مثبت و ارتقاء قرار می گیرد).

همانطور که دیروز اعلام کردم، جناب آقای نیرو اجازه دادند که به صورت یک استثناء در مورد قاعده گروه، دوستان بتوانند در این نظر سنجی مشارکت فرموده و نظراتشان را در گروه اعلام فرمایند.

فردا من هم فهرستی از خصوصياتی را که خودم به نظرم می آید، ارائه خواهم کرد.



فردا طبق قرار قبلی، قرار است روز گفتگو، و بحث در مورد برخی مصادیق و نمونه های عینی در مدرسه حکمت و سایر مدارس باشد.

دوستان می توانند مشابه فعالیت ظرفشویی، فعالیتی را که خود در مدرسه خودشان انجام می دهند، یا به ذهنشان می رسد که می شود انجام داد، در گروه به اجمال معرفی نمایند. پس از معرفی فعالیت، باید مولفه هایی را که در طی این فعالیت ارتقاء می یابند نیز فهرست نمایند.

بنده هم فعالیتهای دیگری را که در مدرسه حکمت انجام می دهیم، معرفی خواهم کرد.



امیدوارم بر خلاف امروز، دوستان فردا در این کار مشارکت فعال داشته باشند. مجدداً می‌گویم که اینکار با اجازه جناب آقای نیرو مدیریت محترم گروه، به صورت استثناء انجام می‌شود.

سلامت و موفق باشید؛ ان شاء الله.

سلام. روز شما بخیر.

مثلاً اینکه دوستان گروه در طول هفته درگیر مدرسه و کلاسهایشان هستند و فضای مشارکت در بحث وجود ندارد. البته این مشارکت زمان زیادی احتیاج نداشت. بگذریم.

امروز قرار بود روز گفتگو، و بحث در مورد برخی مصادیق و نمونه‌های عینی در مدرسه حکمت و سایر مدارس باشد.

من به سهم خودم ان شاء الله نمونه‌های دیگری از سازوکارهای ارتقاء مولفه‌های شخصیت را مطرح خواهم کرد. ان شاء الله دوستان هم نمونه‌هایی که در مدارس خودشان می‌تواند همین هدف را برآورده کند، در گروه ارائه بفرمایند.

اول قرار بود که پوشش مولفه‌ها توسط فعالیت ظرفشویی را نشان دهم. در جدول زیر مولفه‌هایی که بر اثر ظرفشویی ارتقاء پیدا می‌کنند و تحت تاثیر قرار می‌گیرند با رنگ زرد مشخص شده است:

مهر	مورچه	سگ	زنبور	گاو	اسب	میم	خرگوش	گربه	باز	میم	سگ	مهر
تعامل و معاشرت	اطاعت، همکاری و تعاونداری	دقت و توجه	نظم و نظایط	اعتماد به نفس و پیشکار	نگیزه و جلازه	خودشناسی و رشد	هوش و آگاهی	خلاصیت و ابتکار	تنبیر	حسن خلق	جودیت	ولایتداری و وطن دوستی
رویه‌ری و خجولیت	اطاعت	دقت	نظم	اعتماد به نفس و با اراده	شوق، نگیزه و هدفداری	خود ارزیابی	آگاهی عمومی	خلاصیت	تنبیر	ادب	ایمان	ولایتداری
کم حریفی و گزیده گویی	نشریکه مسامی	توجه در مشاهده	وقت شناسی	پیشکار	شادابی	خودشناسی	تیم و استیاط مسائل	صاحت و سازندگی	قدرت مدیریت	برخورده خوب	هکری	بصیرت اجتماعی و دینی
معاشرت	احترام به نظرات دیگران	محاسبه گز	امانت داری	مسئولیت پذیری	تلاش، حرکت، فعالیت و جنب و جوش	رشد	تنبیر و تعمق	قدرت برنامه ریزی	کنترل غضب و کظم قیض	جهاد	دشمن شناسی	
	کماله کاری		حفاظت از لوازم	صبر، برداری			حافظه	کصد و دینه روی	نیکی به والدین	شکر	دشمن ستیزی	
	احساس مسئولیت در مورد دیگران و جامعه تعاونداری و رعایت مقررات		آراستگی ظاهر	خونسرویی			هوش	دوری از بدبویا و ناپاکبیا	رضا	روجه بسیجی و تلاشی		
			دوق و سلیقه	جدیت				پاکیزگی	اخلاص	وقاه ری به وطن		
			سرعت	شجاعت و شهامت				خونسرویی	وجدان			
			همت					تواضع	تواکل			
				وجدان کار				دانت و وقار	تسلیم حق			
				خود جوشی				حیا و هفت	تذکر			
				خوشینی				نظاقت	کاحت			
								رجم، عافقه، مهربانی و احسانات				
								کرامت				
								گذشت و حقو کردن				
								حب پوشی				
								جود				
								وقای به جهد				
								صداقت				
								تیکوکاری				
								رازه‌اری				
								قابل اعتماد				
								انصاف				
								ایثار و قدکاری				
								جدل				

تقریباً نزدیک به نیمی از مولفه‌ها (۳۸ تا از ۸۹ مولفه) در ظرفشویی به نحوی ارتقاء پیدا می‌کنند.

فعالیت دیگری که در مدرسه حکمت به عنوان یک فعالیت جدی توسط همه بچه‌ها در همه سالها دنبال می‌شود، کسب و کار است. همه بچه‌های مدرسه حکمت یک کسب و کارگر هستند. هر انسانی در هر شغلی بالاخره نیاز به تلاش، فراهم کردن، استحصال کردن، ارائه محصولات کاری خود، و دفاع از حق خود است. بچه‌ها در مدرسه به صورت جدی در برهه‌های زمانی مشخص، به فعالیت‌های کسب و

کار می پردازند. این کسب و کار ممکن است تولید یک محصول و فروش آن، ارائه خدمات و دریافت دستمزد، و خرید و فروش محصولات باشد.

کسب و کار هم به صورت دوره های مشخص در قالب فعالیتهای نمایشگاهی (مثل نمایشگاه فروش شب عید که چند روز قبل از انتهای اسفند هر سال برگزار می شود)، حضور در بازار روز محلی و فروش محصولات در آن، و عرضه محصولات و خدمات در محل مدرسه در طول سال تحصیلی، انجام می شود.

بچه ها در مراحل مقدماتی هر فعالیت کسب و کار، در مورد تصمیمات راهبردی آن، که چه فعالیتی را با استفاده از فرصتهای موجود، با حداکثر بهره وری انجام دهند فکر می کنند.

مثلا در یک مورد که بچه ها قصد فروش در بازار روز محلی (چهارشنبه بازار) را داشتند، طی چند جلسه بر این بحث و گفتگو شد که چه محصولی را بفروشیم؟ برای چه مخاطبینی؟ از کجا تهیه کنیم؟ چگونه بفروشیم؟ و سئوالاتی نظیر اینها. برای پاسخ به این سئوالها بچه ها از چهارشنبه بازار بازدید کرده، و از محیط آن فیلمبرداری کردند. همچنین از محصولات موجود در بازار فهرست اجمالی تهیه شد. بعد بر روی فیلمها تحلیل شد که چه فرصتهایی در بازار وجود دارد، و چه محصولاتی می تواند فروش بهتری داشته باشد. سپس بچه ها محصولات انتخاب شده را تهیه و فنون فروش و چگونگی عرضه محصولات را به صورت نمایش تمرین کرده، و سپس به بازار رفته و بساط خود را پهن کرده و فروش انجام شد. پس از آن هم تحلیلی از آنچه اتفاق افتاده بود، و حساب و کتاب صورت گرفت.

.....





حالا شما فکر می کنید که کدامیک از مولفه های شخصیت در فعالیت کسب و کار ارتقاء پیدا می کند؟

جدول زیر مولفه های متأثر از کسب و کار را نشان می دهد که با رنگ زرد مشخص شده است:



از ۸۹ مولفه، تنها ۲۳ مولفه پوشش داده نشده، و باقی مولفه ها به نحوی پوشش داده می شود.

یکی از دلایل اصرار مدرسه حکمت بر فعالیت کسب و کار از همین رو است.



عقاب	گنجشک	گاو	جغد	رویا	خرگوش	فیل	اسب	شتر	زنبور	سگ	مورچه	مرغ
ولایتداری و وطن دوستی	حیودیت	حسن خلق	تنبیر	خلافت و ابتکار	هوش و آگاهی	خود شناسی و رشد	تکیه و جلافت	اعتماد به نفس و پشتکار	نظم و انضباط	دقت و توجه	اعانت، همکاری و تعاونداری	تبادل و معاشرت
ولایتداری	ایمان	ادب	تنبیر	خلافت	آگاهی عمومی	خود ازیایی	شوق، تکیه و هدفداری	اعتماد به نفس و اراده	نظم	دقت	اعانت	روداری و خجولتی
بصیرت اجتماعی و دینی	هوش	برخورد خوب	قدرت مدیریت	صاحت و سازندگی	تعم و استیاض مسائل	خود شناسی	شادابی	پشتکار	وقت شناسی	توجه در مشاهده	تشریک مساعی	کم جرفی و گزیده گوشتی
دشمن شناسی	جهاد	کنترل غضب و کظم غیض	قدرت برنامه ریزی		تنبیر و تعمق	رشد	لذتی، تحرک، فعالیت و جنب و جوش	مسئولیت پذیری	امانت داری	محاسبه گر	احترام به نظرات دیگران	معاشرت
دشمن ستیزی	شکر	نیکی به والدین	کفد و میانه روی		حافظه			صبر، برداری	حفاظت از لوازم		کمک کاری	
روحیه پیچی و تقاضی	رفا	دوری از بدبها و ناپاکبها			هوش			خونسردی	آرامشگی ظاهر		احساس مسئولیت در مورد دیگران و جامعه	
ولایتداری به وطن	اخلاص	پاکیزگی						جدیت	ذوق و سلیقه		تعاونداری و رعایت مقررات	
	وجدان	خوشرویی						شجاعت و شهامت	سرعت			
	توکل	تواضع						همت				
	تسلیم حق	دانت و وقار						وجدان کار				
	لذتگر	حیا و عفت						خود جوشی				
	تواضع	لطافت						خوشبینی				
		رحم، عاطفه، مهربانی و احساسات										
		کرامت										
		گذشت و حقو کردن										
		عیب پوشی										
		جود										
		وفای به عهد										
		صدق										
		پیکوکاری										
		واژه اری										
		قابل اعتماد										
		انصاف										
		ایثار و فداکاری										
		عدل										
		حرفه تفس										

البته کسب و کار ابعاد متعددی دارد که در اینجا فرصت بازکردن آن نیست و مجبورم به اشاره اجمالی اکتفا کنم.

فعالیت دیگر، مسابقه امدادی است.

در این مسابقه، دو کلاس از پایه های مختلف، (معمولا یک پایه از شاگردان بزرگتر، و یک پایه از شاگردان کوچکتر) با هم یک تیم را تشکیل می دهند. کل اعضاء تیم باید در بازی نقش ایفا کنند. به عبارت دیگر در این مسابقه تمام شاگردان بازی کنند و کسب امتیاز می کنند.

حدود ۲۰ فعالیت مختلف در محوطه مسابقه وجود دارد. بازیهای نظیر روپائی زدن توپ، حمل بار با فرقون، حمل توپ در کیسه، تایپ متن با رایانه، حل مسائل ریاضی و نظایر آن وجود دارد که شاگردان یک تیم در غرفه های آن مستقر می شوند. هر بازی امتیاز مخصوص به خود را دارد. مثلا هر محاسبه ریاضی دو رقمی، ۷ امتیاز، هر روپائی ۳ امتیاز، تایپ هر سطر متن ۱۵ امتیاز و

هر تیم ۵ دقیقه وقت برای آماده شدن، و ۷ دقیقه وقت برای فعالیت دارد. طی این ۷ دقیقه، هر یک از شاگردان تیم در غرفه ها امتیاز کسب می کنند. مجموع امتیازهای کسب شده در غرفه های مختلف توسط تیم، امتیاز کل تیم را تشکیل می دهد. تیمی برنده است که امتیاز بیشتری کسب کرده باشد.

مسئله اصلی این مسابقه در اینجا قرار دارد: مدیریت تیم بر عهده خود شاگردان است. اینکه کدام شاگرد را در چه غرفه ای قرار دهند، و اصلا در کدام بازیها شرکت کنند، یک راز اصلی برنده شدن است. مدیریت (که یک ترکیب سه نفره اند) باید خصوصیات شاگردان را تشخیص داده، مهارتهای آنها را در کارهای مختلف بسنجد، و بر اساس توانائی های آنها، و میزان امتیازی که هر بازی دارد، سبک و سنگین کند که بچه ها را با چه آرایشی در بازی بچینند.



راز دوم هماهنگ بودن تیم و استقرار سریع است. و اینکه هر کدام از اعضای تیم به خوبی توجیح باشد که چه کاری را باید انجام دهد. در مسابقات تیمهایی را داشتیم که مدیر آنها با هیاهو و اینطرف و آنطرف دویدن مشغول جایگذاری شاگردان بود، ولی بازی شروع شد و همه سردرگم بودند؛ و مدیر تیم در تمام مدت بازی اینطرف و آنطرف می دوید؛ و با اینکه بچه های قوی تری به نسبت در تیم آنها بود، امتیاز کمتری را کسب کرده و در آخر هم کلی با هم دعوا کردند و تقصیر را به گردن هم انداختند. تیمی هم بود که با آغاز پنج دقیقه استقرار، همه بچه ها منظم سر جای خود رفته و قبل از شروع زمان بازی، کاملاً مستقر بوده، و خود مدیر هم در یکی از غرفه ها مستقر شده و خود نیز امتیازآوری می کرد. این تیم بالاترین امتیاز را آورد.

یکی از چیزهای مهم این مسابقه این است که حتی کودکان کوچک هم برای تیم امتیاز آور می شوند. شاگردان بزرگتری که در یک مسابقه هرگز حاضر به پذیرش کوچکترها در تیم خود نمی شوند، در این مسابقه تمام بچه های کوچکتر را با نظم در مسابقه به کار می گیرند، و از امتیازآوری آنها استفاده می کنند. فعالیتها طوری تنظیم شده که حتی شاگردان کم توان ذهنی هم می توانند بالاخره در یکی از زمینه ها امتیاز خوبی کسب کنند. اتفاقاً شاگردان معلول و کم توان مدرسه (که تعداد آنها کم نیست)، اغلب در این مسابقات امتیازآوری خوبی حتی بیش از بچه های دیگر دارند.

بعضی از فعالیتهای این مسابقه وابستگی بین فعالیتها را ایجاد می کند. مثلاً دو نفر از اعضای گروه باید در تمام مدت روی یک تخته تعادل بایستند، و آن را متعادل نگه دارند. هر وقت تعادل این تخته به هم بخورد، داور مسابقه سوت زده و کلیه فعالیتها متوقف می شود تا این دو تخته را مجدداً متعادل کنند؛ در حالی که زمان دارد می گذرد.





این مسابقه فقط یک مسابقه مفرح و ورزشی نیست. مسابقه ای است که هدف آن ارتقاء بسیاری از خصوصیات شخصیتی شاگردان است. و البته مربیان اجرا کننده مسابقه، باید به خوبی به این موضوع واقف باشند.

شاگردان در این مسابقه مدیریت، تدبیر، برنامه ریزی، صبر، خونسردی، و بسیاری خصوصیات دیگر را کسب می کنند.

تعیین مولفه های شخصیتی که این مسابقه ارتقاء می دهد، در جدول زیر نشان داده شده است:

N	M	L	K	J	I	H	G	F	E	D	C	B
هکاب	کبوتر	گاو	جغد	ریاء	خرگوش	قمل	اسب	شتر	زنبور	سگ	مورچه	مرغ
ولایتداری و وطن دوستی	صودیت	حسن خلق	تدبیر	خلافت و انکار	خوش و آگاهی	خود شناسی و رشد	نگیزه و ملاحظه	احساس به نفس و پیشکار	نظم و تضایط	دقت و توجه	اعانت، همکاری و کوششنداری	عامل و معاشرت
ولایتداری	ایمان	ادب	تدبیر	خلافت	آگاهی عمومی	خود ارزیابی	شوق، نگیزه و هدفداری	احساس به نفس و با اراده	نظم	دقت	اعانت	رو داری و خجولگی
بصیرت اجتماعی و دینی	تقوی	برخورد خوب	قدرت مدیریت	صاحت و سازندگی	تعم و استیاض مسائل	خود شناسی	شادابی	پیشکار	وقت شناسی	توجه در مشاهده	نشریک مسامحی	کم خردی و گزیده گویی
دشمن شناسی	جهاد	کنترل غضب و کظم فیض	قدرت برنامه ریزی		تدبیر و تعمق	رشد	دلالت، تحرک، فعالیت و جنب و جوش	مسئولیت پذیری	اعانت داری	محاسبه کار	احترام به نظرات دیگران	معاشرت
دشمن ستیزی	شکر	نیکو به والدین	کصد و مینه روی		حافظه			صبر، بردباری	حفاظت از انوارم		گمگشکاری	
روحیه سیخی و نکستی	رفا	دوری از بدبها و ناپاکبها			خوش			خونسردی	آزسنگی ظاهر		احساس مسئولیت در مورد دیگران و جامعه	
وقاداری به وطن	اخلاص	پاکیزگی						جدیت	ذوق و سلیقه		کوشنداری و رعایت مقررات	
	وجدان	خوشرویی						شجاعت و شهادت	سرعت			
	توکل	نواضع						همت				
	دانت و وقار	تسلیم حق						وجدان کار				
	جفا و هفت	ندکر						خود جوشی				
	لطافت	کاحت						خوشینی				
		رحم، ملاحظه، مهربانی و احساسات										
		کرامت										
		گشت و حق کردن										
		حب پویشی										
		جود										
		وقای به عهد										
		صدقت										
		نیکوکاری										
		دانه داری										
		کلی اعتماد										
		نصافت										
		ایثار و قدانکاری										
		عدل										
		هرت نفس										

میز گرد گفتگوهای سیاسی و اجتماعی، فعالیت دیگری است که در مدرسه انجام می شود. یک موضوع سیاسی و اجتماعی به عنوان موضوع میز گرد انتخاب شده، و بچه ها در مورد آن به بحث و گفتگو می پردازند. مولفه های شخصیتی که در این گفتگوها ارتقاء می یابد در جدول زیر نشان داده شده است:



عقاب	گنجشک	گاو	جغد	روان	خرگوش	قمل	اسب	شتر	زنبور	سگ	مورچه	مرغ
ولایتداری و وطن دوستی	جهودیت	حسن خلق	تنبیر	خلاصیت و ابتکار	هوش و آگاهی	خود شناسی و رشد	نگیر و علاقه	اعتماد به نفس و پیشکار	نظم و تعباط	دقت و توجه	اطاعت، همکاری و تقویتداری	تعامل و معاشرت
ولایتداری	ایمان	ادب	تنبیر	خلاصیت	آگاهی عمومی	خود ارزیابی	شوق، نگرش و هدفدار	اعتماد به نفس و آزاده	نظم	دقت	اطاعت	روداری و خجول
بصیرت اجتماعی و دینی	تقوی	برخورد خوب	قدرت مدیریت	صناعت و سازندگی	فهم و اشتراط مسائل	خود شناسی	شادابی	پیشکار	وقت شناسی	توجه در مشاهده	تشکیک مسامح	کم حرفی و گزنده، نجوئی
دشمن شناسی	جهاد	کنترل غضب و تکلف قیض	قدرت برنامه ریزی		تنبیر و تعمق	رشد	دلالت، تحرک، فعالیت و جنب و جوش	استواری پذیری	اعانت داری	محابیه فکر	احترام به نظرات دیگران	معاشرت
دشمن ستیزی	شکر	پیکه به و لندین	کفد و میانه روی		حافظه			صبر، برداری	حفاظت از لوازم		کمک کاری	
روشنه سپیدی و تکلای	رها	دوری از بدینها و ناپاکیها			هوش			خونسردی	آرامشگی ظاهر		احساس مسئولیت در مورد دیگران و جامعه	
ولایتداری به وطن	اخلاص	پاکیزگی						جلبیت	ذوق و سلیقه		قانونمداری و رعایت مقررات	
	وجدان	خوشروئی						شجاعت و شهامت	سرعت			
	توکل	تواضع						همت				
	تسلیم حق	مناعت و وقار						وجدان کار				
	تذکر	حیا و عفت						خود جوشی				
	تقاعت	لطافت						خوشبینی				
		رحم، عافه، مهربانی و احسانات										
		کرامت										
		گذشت و حق کردن										
		حبیب پوشی										
		جود										
		وقای به جهد										
		صدقت										
		پیکر کاری										
		زاداری										
		قابل اعتماد										
		انصاف										
		ایثار و قداکاری										
		جدل										
		عزت نفس										

فعالیت‌های دیگری نیز نظیر:

باغبانی (همه بچه های مدرسه حکمت در طول سال باغبانی کرده و از باغچه ها و زمینهای کشاورزی خود نگهداری و عملا از محصولات خود استفاده می کنند).

عکاسی و فیلمبرداری (تلاش بر آن است که هر شاگرد مدرسه حکمت عکاس و فیلمبردار باشد. هر چند به دلیل محدودیت امکانات این هدف بصورت کامل محقق نشده، اما اغلب بچه ها در این فعالیت درگیر هستند. عکاس دید بچه ها را به محیط عوض کرده، توان مشاهده خوبی به آنها می دهد، و بسیاری از مولفه های شخصیت را ارتقاء می دهد)

نظافت کلاس و مدرسه (همه بچه ها در نظافت مدرسه نقش جدی دارند، و به صورت برنامه ریزی نظافت کلاس خود، محوطه عمومی سالنها، حیاط، باغ، محوطه ظرفشویی، شیشه ها بخصوص در هنگام خانه تکانی، و حتی گاه دستشوئی ها را بر عهده دارند)



برگزاری مراسم (همه بچه ها در موارد متعدد در طول سال، در برگزاری مراسم مدرسه مشارکت فعال دارند. تمام مراسمات توسط شاگردان برگزار می شود، و همه – تاکید می شود که همه شاگردان باید در مراسم طبق برنامه اجرا داشته باشند. مراسم صبحگاه، بین دو نماز، و جشنهای موردی و فصلی مدرسه، همه توسط شاگردان مدیریت و اجرا می شود. حتی مجری گری، تدارکات، صوتی و پشت صحنه نیز بر عهده شاگردان است. بخصوص در جشنهای فصلی، رفتن کادر مدرسه بر روی صحنه در طول برنامه بجز در مواردی که موضوع مربوط به آن همکار است (مثلا تقدیر از آن همکار انجام می شود)، ممنوع است)).

برگزاری نمایشنامه (تاکید بر آن است که همه بچه های مدرسه حکمت در فن نمایش مهارت داشته باشند. البته هنوز این هدف به حد کافی محقق نشده است. اگر نمایشی هم بازی می شود، نمایشنامه نباید بر محور یک یا دو قهرمان و ضد قهرمان باشد، و بقیه سیاهی لشکر باشند. در تمام نمایشنامه ها تمام بازیگران باید نقش فعال داشته و متنهای نمایشنامه به نحو مناسب بین همه توزیع شده باشد. اگر نمایشنامه چنین نباشد، یا آن را تغییر داده، یا متنهای گفتگوی دیگری را برای مشارکت همه در آن وارد می کنیم)

حضور شاگردان معلول و کم توان جسمی و ذهنی و یادگیری (همه بچه های مدرسه، در تعامل با این شاگردان، چیزهای زیادی یاد می گیرند. آنها یاد می گیرند صبر داشته باشند، به دیگران احترام بگذارند، روی افراد کم توان حساب باز کنند و ... شاگردان کم توان هم یاد می گیرند خود را جدی بگیرند، اعتماد به نفس داشته باشند و)

روز بدون کادر (روزی که تمام فعالیتهای مدرسه توسط شاگردان اداره می شود، و از حدود یک ماه قبل شاگردان برای تصدی مسئولیتهای مدرسه نزد کارکنان مدرسه آموزش دیده، و گواهینامه های لازم را کسب کرده، و در روز موعود اجرا را بر عهده می گیرند. این روز دوبار در هر سال، طبق برنامه سالیانه مدرسه اجرا می شود).

برگزاری نمایشگاه دست ساخته ها (که هر کدام از شاگردان غرفه ای را دایر کرده و محصولات دست ساخته خود را در آن ارائه کرده، یا آزمایشها و فعالیتهائی را انجام می دهند)

جامعه دانش آموزی (نه فقط یک شورای خشک و خالی، بلکه ساختاری شامل قوه مجریه (اینجا اسم آن ستاد عملیاتی است)، قوه قضائیه، قوه مقننه، و شورای نگهبان، که سالیانه دوبار انتخابات آن برگزار شده، و فعالیتهای مدرسه از جمله برگزاری مراسم مدرسه را به صورت جدی بر عهده می گیرند- البته در دو سال گذشته کمی جدیت اجرای آن کاهش پیدا کرده و عملکرد ضعیفتری داشته اند که باید ان شاء الله در آینده بهبود یابد)

.....

اینها نمونه هائی از سازوکارهائی است که بر ارتقاء شخصیت بچه ها اثر دارد. دوستان می توانند با نگاهی به جدول مولفه ها، میزان اثر گذاری هر یک از این فعالیتهای دامنه اثر آن را تصویر کنند.







مثالهای فوق از مدرسه حکمت به این معنا نیست که مدرسه حکمت ادعا کند فقط این مدرسه چنین کارهایی را انجام می دهد. قطعاً دوستان مدارس دیگر نیز همین فعالیتهای مشابه دیگر را که در این زمینه تاثیر گذارند، انجام می دهند. منتظر دریافت سازوکارهای دوستان و تحلیل اثر گذاری آنها بر مولفه های شخصیت هستیم.

موفق باشید.



سلام.

روز شما بخیر. امروز روز همایش چارسوق است. متأسفانه بنده توفیق حضور در تهران ندارم. دوستان به جای ما ان شاء الله. برای دوستان برگزار کننده چارسوق، جناب آقای آزین و همکاران محترم آرزوی موفقیت و سلامتی می کنم.

امروز آخرین روزی است که بنده در خدمت عزیزان گروه صلحا هستم. قرار بود پنجشنبه روز جمع بندی و نتیجه گیری باشد.



در این هفته خیلی پرچانگی کردم. در کارگاه مربیان خودمان با همکاران مدرسه، بحث در مورد مباحثه و گفتگو در کلاس بود. به دوستان می گفتم هر وقت من معلم زیادی حرف بزنم، بچه ها سکوت می کنند. ولی هر وقت من کم حرف بزنم، نطق بچه ها باز می شود. احتمالاً در اینجا هم بنده به حدی زیاد حرف زدم، که علیرغم استثناء کردن اعلام نظر دوستان در این هفته توسط جناب آقای نیرو، و درخواست بنده و اعلام چند باره این موضوع، احدی لب به کلام نگشود، و بجز افاضات بنده، صدائی در گروه شنیده نمی شد.

حالا امروز جبران می کنم و مطلب را بسیار کوتاه خدمت شما عرض خواهم کرد، تا دوستان از خواندن مطالب پر حجم بنده خلاصی یافته، فرصت تنفس یافته، بلکه خودشان لب به سخن باز کنند، ما را مستفیض کنند.



اول نموداری را که در روزهای قبل کشیده بودم، ناقص بود که اصلاح شده آن را در زیر می آورم. متن توضیح آن را در مباحث روزهای قبل هم اصلاح مختصری کردم.



در نتیجه گیری معمول است که لب کلام را بگوئیم. و اما لب کلام:



در مدرسه بیش از آنکه شاگردان قرار است دانش و کمی مهارت بیاموزند، باید مهارت‌های زندگی را در ابعاد مختلف آموخته، فرهنگ مطلوب را کسب کنند، و بیش از همه و مهمتر از همه آنکه باید شخصیت آنها در مدرسه به صورت مطلوبی شکل بگیرد. شخصیت بچه ها از مولفه های مختلفی تشکیل می شود، که مدرسه باید در ارتقاء تک تک آنها بکوشد. و برای تحقق این مولفه ها، بچه ها باید درگیر



عمل شوند. در عمل است که شخصیتها شکل می گیرد. و شکل گرفتن شخصیت بچه ها بیش از هر چیز و پیش از هر چیز نیازمند احترام به آنها است. احترام موجب عزت نفس آنها می شود، و عزت نفس مقدمه حیا و تقوای آنها است.

مدرسه پس از برخورد محترمانه با شاگردان، باید آنها را درگیر فعالیتهای عملی ای کند، که بیشترین تاثیر را روی مولفه های شخصیت داشته باشند. اما نکته مهم، نکته مهم و نکته مهم این است:

اجرا کردن از روی تکلیف فعالیتهائی مشابه آنچه گفته شد، هیچ اثر جدی روی شخصیت بچه ها نخواهد داشت. اگر من و مای مربی و کادر مدرسه، بستر این فعالیتها را در مدرسه با آگاهی کامل به گونه ای مناسب پهن نکنم، این فعالیتها فقط بازی ای خواهند بود، که در برخی اوقات مفرح ولی لغو، و در برخی موارد ملال آور و رنج آور خواهد بود.

اما اگر:

اولا خودم و خودمان شخصیت خود را ارتقاء داده، پشتکار، اعتماد به نفس، کرامت، جهادگری و را در خودمان داشتیم، و ثانيا آگاهانه بسترهای مناسبی را به صورت هدف مند ایجاد کرده و شاگردان را در آن بسترها به صورت عملی درگیر کردیم، می توانیم با صبر و حوصله، انتظار شکوفائی تدریجی شخصیت شاگردان را داشته باشیم.

چه بسا با بسترهای اندک و محدود، ولی توسط مربیانی که خود مولفه های شخصیت مطلوبی دارند، اثری بسیار بیشتر و غنی تر از اجرای صوری و از روی تکلیف پر هیاهو و مفصلی را، توسط مربیان کمتر تعالی یافته، در بر داشته باشد.



از دوستان برای فرصتی که به بنده دادید، و نیز برای تحمل صحبتها بنده در این هفته تشکر می کنم. منتظر دریافت دیدگاهها، نظرات، نقدها و پیشنهادات، و بخصوص شنیدن تجربیات خوب شما در این زمینه هستم. چه فردا که طبق برنامه روز بازخوردها است، و چه پس از آن.



از خداوند متعال آرزوی توفیق آن را دارم که همه ما در انجام فعالیتهای تعلیم و تربیت، بتوانیم آنگونه که مورد رضای او است عمل کنیم.
ان شاء الله.

اردوان مجیدی

۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵

بابلسر

الحمد لله رب العالمین





جناب آقای نیروی عزیز سلام علیکم

دوستان روز جمعه در مورد بحثهای هفته گذشته بنده مطالبی را مطرح فرمودند.

اولا از لطف دوستان بسیار سپاسگزاری می کنم. امیدوارم کاری که انجام داده ایم به عنوان تحفه در حد برگ سبزی که از بضاعت درویشی ما بر می آمد، مفید فایده ای ولو اندک هم بوده باشد.

در مورد سئوالات دوستان، چون روز جمعه در خدمت خانواده بودم، نتوانستم پاسخ دهم. لذا توضیحات را خدمت شما ارسال می کنم، تا به هر نحو که صلاح می دانید خدمت عزیزان ارائه شود.

سئوالات و توضیحات اجمالی در مورد آنها:

س- چارچوب علمی و منابع کار چیست؟

پ- اولاً در رویکرد پژوهشی ام، به روال متداول مجامع آکادمیک ایران، که پژوهشگر فقط مجاز است یکی از دیدگاههای موجود مطرح شده توسط یکی از اساتید مشهور را مبنا قرار داده، آن را توصیف کرده مصادیقی از آن را تبیین کند، یا حداکثر یا در حد اضافه کردن چند شاخ و برگ آن را مختصراً بسط دهد، پایبند نبوده، و از طرح دیدگاههای مستقل خود واهمه ندارم. اغلب دیدگاههای مطرح شده ام نیز در عین استناد و استفاده موثر از نظریات مختلف، در قالبی مستقل معنا دار و قابل تحلیل است.

در مورد دیدگاه مدرسه شخصیت هم برای اینکه مولفه های شخصیت و سازوکارهای ارتقاء آن را تبیین کنیم، تلاش کردیم تمام نظریات در دسترسمان در حوزه های علم اخلاق، معرفت النفس، روانشناسی، مدیریت منابع انسانی، ارزیابی شایستگی ها و نظایر آن را در حد وسعمان بررسی کنیم. در هیچ یک از نظریات موجود، نگاه جامع و یکپارچه ای که سازوکارهای عملی و عینی را به نحو موثر پوشش دهد، نیافتیم. به همین دلیل دیدگاه مطرح شده، مستقلاً ارائه شد. قطعاً اگر خداوند توفیق دهد، و تبیین نظری ای در قالب یک متن مستند علمی ارائه کنم، مقدماتاً تحلیلی از دیدگاههای مختلف را ارائه خواهم کرد، ان شاء الله.

در مجموع مولفه ها و سازوکار محوری ارتقاء و تعالی، بر اساس برداشت شخصی خود بنده از منابع مختلف بوده، هر چند بخشهای مختلف آن جزئاً با نظریات مختلفی از مدلهای شایستگی گرفته تا علم النفس و علم اخلاق تطابق دارد، اما به صورت یکپارچه مدل ارائه شده از جای خاصی اقتباس نشده است. مثلاً بسیاری از مولفه ها در فهرست مولفه ها و طبقه بندیهای نظریات موجود، وجود دارد، اما ساختار آن و ترکیب کلی آن در اینجا مبتنی بر نیازسنجی و طبقه بندی خودمان انجام شده است. در ارائه مدل مذکور هم سعی بر آن شده که قابلیت تبیین و اجرا در یک مدل برنامه درسی به عنوان یک اصل مهم، در تمام مراحل تبیین و ارائه مدل مد نظر قرار داشته باشد. تجربه در محیطهای عینی هم نقش موثری را در انتخابهای ما داشته است. تا زمانی که یک مدل در محیطی عینی کاملاً برای خودم مشهود نباشد، انتخاب و ارائه نمی شود، به همین دلیل شهود شخصی در انتخاب مدل مذکور نقش محوری داشته است.

البته هنوز کار ما تمام نشده، و مدل مذکور هنوز یک مدل میانی و در دست پژوهش است؛ و از نقد، تحلیلها و پیشنهادات مستدل عزیزان در کامل کردن مدل و رفع نقائص آن استقبال می شود.

س- نبود امکانات کار را دشوار می کند.

پ- بله امکانات نقش دارد، اما همانطور که توضیح دادم، بیش از امکانات، وجود جوهره شخصیت، و مولفه های مذکور شخصیت در مربیان و کادر مدرسه، و جریان یافتن آن در فعالیتهای روزمره و جاری، و جدی گرفتن همین فعالیتهای روزمره و جاری در فرایند تعلیم و تربیت، و اصل قرار ندادن کتابهای درسی، در شکل گیری و ارتقاء شخصیت شاگردان موثر است. اینها خیلی وابسته به امکانات نیست،



و حتی در مدارس روستائی هم قابل تحقق است. به جای مشکل امکانات، من مشکل حبس شدن در کلیشه های رسمی تعلیم دانش کتابهای درسی را مشکل اصلی می دانم.

س- اشاره دوستان به اثر ارتباط با طبیعت کاملاً اشاره درستی است.

پ - طبیعت بهترین آموزگار ما است. و بهترین راه برای ارتقاء شخصیت، طبیعی کردن محیط مدرسه، و درگیر کردن بچه ها در این طبیعت واقعی است. منظور من از این حرف، آن نیست که باید در مدرسه گل و درخت و حیوانات داشته باشیم. اینها هم از عناصر طبیعی سازی است. اما فراتر از آن، زندگی واقعی را به مدرسه بیاوریم. رفتارهای بچه ها را در مهد تعاملات طبیعی زندگی واقعی قرار دهیم.

س - رویکردهایی که ارایه شد، چگونه در مقاطع بالاتر قابل پیگیری است؟ آیا دانش آموز پس از ورود به فضای دیگر آموزشی_تربیتی، دچار چالش جدی با محیط جدید خود نخواهد شد؟

پ - این سؤال دو وجه دارد. اولاً: آیا این ارتقاء شخصیت فقط محدود به دبستان است، یا در دبیرستان و حتی دانشگاه هم قابل تحقق و اجرا است؟ پاسخ این وجه آن است که بله! تمام مولفه های شخصیت در کوچک و بزرگ وجود دارد و قابل ارتقاء است، و برنامه ها و سازوکارهایی برای ارتقاء آن را می توان در دبیرستان و دانشگاه گنجاند.

ثانیاً: آیا وقتی مولفه های شخصیت یک شاگرد در محدوده یک مدرسه ارتقاء یافته است، با رفتن به مقاطع بالاتر و مدارس دیگری که به این مولفه ها بی توجه هستند، دچار مشکل نمی شود؟

در اینکه بچه ها، پس از تجربه محیط متوازن مدرسه شخصیت، در رفتن به مدارس و محیطهای نامتوازن بیرون، تجربه ناخوش آیندی خواهند داشت، شکی نیست. ولی این ناخوش آیندی بعدی مجوزی برای عدم اجرای خوش آیندی در مدرسه شخصیت نمی شود. مثلاً وقتی شاگرد در اینجا پرسشگر، منتقد، محترم و است، وقتی به محیطی برود که به او احترام نمی گذارند، اجازه اظهار نظر نمی دهند و ... تجربه دشواری را خواهد داشت. اما مجموع مولفه های شخصیت، به او امکان می دهد که در محیطهای نامطلوب هم چگونه روی پای خود بایستد، با نامطلوبی های محیط چگونه مواجه شود، و چگونه خود را با شرایط جدید تطبیق داده و عملکرد مفید و بهتری داشته باشد. در واقع در مدرسه شخصیت، قرار نیست بچه ها لای پنبه رشد پیدا کنند. اتفاقاً ضروری است تا شاگردان در محیطهای پر چالش و متفاوت وارد می شوند، تا ابعاد مختلف شخصیتی آنها رشد یابد. و این به ادامه فعالیت آنها نه فقط در مقاطع تحصیلی بعدی، بلکه در جامعه نامتوازن واقعی نیز کمک می کند.

س- نتایج رویکرد در مورد درسی مانند ریاضی،

پ - اگر منظور رویکرد مدرسه شخصیت است، خیلی به ذهنم نمی آید که چگونه بشود اثرات آن را در مورد درسی مانند ریاضی ترسیم کرد. ممکن است برخی خصوصیات نظیر محاسبه گری، دقت، توجه در مشاهده، نظم و نظایر آن در یک درس نقش جدی تری داشته باشند. اما به صورت مشخص این خصوصیات به صورت عمومی در شخص و رفتارها و منش و شخصیت او شکل گرفته و اثر گذار خواهند بود.

اگر منظور نتایج رویکرد عمومی مدرسه حکمت در دروسی مانند ریاضی و نظایر آن است، نیاز به توضیح مفصل تری دارد که ان شاء الله در شرایط مقتضی ارائه خواهد شد.

س - توضیحاتی که درباره مدرسه و فعالیت ها نوشته بودین، به نظرم بیشتر برای بچه های سوم و چهارمی بود عکسها هم بیشتر همون رده سنی را نشان میداد. ساختن ظرفشویی و...



پ - همه طیفهای سنی در این رویکرد از پیش دبستانی گرفته تا دبیرستان و حتی دانشگاه مد نظر هستند، و مولفها در مورد آنها حتی بالاتر از دانشگاه هم مصداق دارد. البته قاندا سازوکارها برای گروههای سنی مختلف متفاوت خواهد بود. رویکرد عمومی استاد و شاگردی به صورت عمومی حتی در مقطع دانشگاه هم جاری می شود. مثلا همین دوره تربیت مربی حکمت خلاق که امسال ان شاء الله با همکاری دانشگاه فرهنگیان برگزار می شود، از همین مشی تبعیت می کند.

س - آموزش حروف الفبا به چه صورته برای کلاس اولی ها؟

پ - فعلا از همان روش کتابهای بخوانیم و بنویسیم تبعیت می کنیم. فقط با میدان عملی بازتر، و اینکه مطلوب است بچه ها مستقلا بتوانند با سرعت خودشان حرکت کنند. منعی در خواندن و نوشتن پیش از بودجه بندی رسمی وجود ندارد، اگر با نظارت و روش مناسب انجام شود.

س - اینکه گفته بودین هرروز ۴۵ دقیقه قران خونده میشه، به چه صورته ؟ همه بچه ها حتما باید حضور داشته باشن؟

پ - بله! هر روز صبح پس از ۵ دقیقه دور همی با مربی، مربی و شاگردان کلاس با هم حلقه زده و قرآن را می خوانند و در مورد معانی آیات و مفاهیم آن بحث و گفتگو می کنند. قرآن از روی مصحف خوانده می شود، نه الزاما کتاب درسی. یک سوره انتخاب شده و هر روز تعدادی از آیات آن خوانده و گفتگو می شود. خواندن قرآن برنامه رسمی هر روزه همه کلاسها از اول ابتدائی تا دبیرستان و دانشگاه است.

س - نماز جماعت چطور؟ آیا تاکید بر حضور همه است؟ و باید همه شرکت کنند؟

پ - الزامی نیست. ولی توجه اکید همه کادر مدرسه است برای: اولاً شرکت با توجه و به موقع و جدی خودشان در آن، ثانيا جدی گرفتن آن در مدرسه، ثالثا فضای صمیمی در نماز و حواشی آن و احترام خاص حین نماز در برخورد با بچه هایی که در نماز شرکت کرده اند، رابعا: یادآوری های موثر برای توجه به اهمیت آن در شرایط مناسب، خامسا: صبر و بردباری داشتن برای مقید شدن بچه ها به آن، در طول زمان، و عجله نکردن برای رفتارهای فوری مطلوب بچه ها.

س - جایی از مطالبتون، تنبیه را ذکر کرده بودین، تنبیه و تشویق به چه صورته در مدرسه؟

پ - تنبیه و تشویق عمدتا باید بر نفس خود همان کار مترتب شود. اگر کسی در نماز شرکت می کند، تشویقش همان لذتی است که از نماز می برد. اگر کسی کارش را خوب انجام داد، تشویقش همان لذتی است که از خوب انجام شدن کار می برد. تنبیه همان ناراحتی است که از انجام نامطلوب کار تحمل می کنیم. همان شرمندگی است که از اینکه نتوانسته ایم کار با کیفیت خوب را انجام دهیم. البته اینکه مربی و کادر مدرسه برخوردشان با مسائل به گونه ای باشد که شاگردان این لذت و رنج از مطلوبیت یا نامطلوبیت کارهای خودشان را خوب درک کنند، و موثر باشد، مهارت خاصی لازم دارد.

س - شما اهدافی را که در نظر دارید برای بچه ها توضیح میدید؟ یا انتظار دارید از عمل شما متوجه هدف شوند؟ برخورد شما با قضیه واضح شدن اهداف برای مخاطب چیست؟

پ - در بسیاری از موارد تربیت و از جمله پرورش شخصیت، لازم نیست حتما شاگرد بداند هدف شما چیست، یا حتی چه اتفاقی در او افتاده است. لازم نیست برای او توضیح دهید که برای اینکه پشتکارتان افزایش پیدا کند، باید چنین کنیم و چنان کنید. یا پس از ارتقاء برای آنها توضیح دهید که طی چند سال اخیر پشتکار شما را افزایش داده ایم. بخصوص پیش از ارتقاء، صحبت مستقیم باعث فعال شدن ذهن خودآگاه می شود، و وقتی عمل به وسیله ذهن خودآگاه مدیریت می شود، دیگر در ذهن ناخودآگاه به صورت پایدار نقش نمی بندد، به همین دلیل به صورت منش در نمی آید. بلکه رفتاری است که شخص هر بار برای انجام آن باید فکر کند. اما اگر بخواهیم



خصوصیت یا رفتاری به صورت منش در آید، باید بدون صحبت کردن در مورد آن، بچه ها را درگیر در فضا و کارهائی کنیم این خصوصیات و رفتارها به صورت ناخودآگاه در آنها شکل گرفته و پایدار شوند. البته ممکن است گاهی اوقات هم بیان هدف با توجه به شرایط موثر باشد، ولی عمومیت با رفتارهای غیر مستقیم و تطابق ناخودآگاه است.

ان شاء الله تفکرات، گفتارها و کردار ما مورد رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و خداوند متعال قرار داشته باشد.

میلاد باسعادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام و روشنی چشم شیعیان و مظلومان جهان را خدمت همه عزیزان تبریک عرض می کنم.

الحمد لله رب العالمین